



Center for Strategic Studies of the
Islamic Republic of Iran Army

Journal Of
Army Strategic Research
Print ISSN:27834212
Volume 4, Issue 13
Autumn 2025
P.P. 53 - 91

Scoping Review of Economic-Military Tools in American Wars: A Look at Libya, Syria, Iraq, and Iran

Mohsen Gol Sorekh Haq¹, Asghar Asgharzadeh², Jafar Saadati Razian³, Bahman Nikkhah⁴

Abstract

The game of American warfare in the Asia region, as one of the most important and complex aspects of contemporary international politics, is influenced by historical, economic, and military developments. Therefore, the aim of this research is to determine the economic-military tools in the game of American warfare. The method used in this research is a scoping review, which involves collecting and analyzing precise information by examining the research background within the time frame of 1995-2024 and utilizing reputable databases within the framework of the six-stage model of Arksey and O'Malley. The findings revealed that the U.S. "war game" pattern for Iran clearly aligns with similar patterns observed in Iraq, Syria, and Libya. This pattern includes similar phases of economic sanctions, cyberattacks, and military threats or attacks. Consequently, this approach reflects a comprehensive and systematic foreign policy that is observable in various countries and can contribute to a better understanding of global developments. By analyzing this pattern, countries and analysts can predict U.S. behaviors and their potential responses to these policies and design appropriate strategies to counter these threats. This understanding can assist target countries in mitigating the negative impacts of these policies by adopting suitable measures and strengthening their internal security and stability.

Keywords: Economic-Military Tools, War Game, United States

Citation: Gol Sorekh Haq, Mohsen; Asgharzadeh, Asghar; Saadati Razian, Jafar; Nikkhah, Bahman (2025). Scoping Review of Economic-Military Tools in American Wars: A Look at Libya, Syria, Iraq, and Iran. *Journal Of Army Strategic Research*, 4 (13), 53-91.

1. PhD, Strategic Defense Studies, National Defense University, Tehran, Iran.

2. Assistant Professor, Faculty of Social Sciences, AJA Command and Staff University, Tehran, Iran. (Corresponding author) Email:a.asgharzadeh@casu.ac.ir

3. Lecturer, Imam Ali (AS) Officers University, Tehran, Iran.

4. MSc, Financial Management, Aria Institute of Higher Education in Science and Sustainable Development, Tehran, Iran.

Received:2025/08/06
Accepted:2025/10/12

Article Type: Research - based



مرور حیطه‌ای ابزارهای اقتصادی-نظامی در جنگ‌های آمریکا: نگاهی به لیبی، سوریه، عراق و ایران
محسن گل سرخ حق^۱، اصغر اصغرزاده^۲، جعفر سعادت‌ی رازیان^۳، بهمن نیک‌خواه^۴

چکیده

بازی جنگ آمریکا در منطقه آسیا به عنوان یکی از مهم‌ترین و پیچیده‌ترین ابعاد سیاست بین‌الملل معاصر، تحت تأثیر تحولات تاریخی، اقتصادی و نظامی قرار دارد. از این‌رو هدف از این تحقیق تعیین ابزارهای اقتصادی-نظامی در بازی جنگ آمریکا است. روش مورد استفاده در این تحقیق، مروری حیطه‌ای است که با بررسی پیشینه پژوهش‌ها در محدوده زمانی ۱۹۹۵-۲۰۲۴ و با استفاده از پایگاه‌های اطلاعاتی معتبر در چارچوب ۶ مرحله‌ای آرکسی و اومالی، به جمع‌آوری و تحلیل دقیق اطلاعات پرداخته شده. یافته‌ها نشان داد: الگوی "بازی جنگ" ایالات متحده برای ایران به وضوح با الگوهای مشابهی که در مورد کشورهای عراق، سوریه و لیبی مشاهده می‌شود، مطابقت دارد. این الگو شامل مراحل مشابهی از تحریم‌های اقتصادی، حملات سایبری و تهدیدات یا حملات نظامی است. در نتیجه این رویکرد نشان‌دهنده یک سیاست خارجی جامع و سیستماتیک است که در کشورهای مختلف قابل مشاهده است و می‌تواند به درک بهتر از تحولات جهانی کمک کند. با تحلیل این الگو، کشورهای و تحلیلگران می‌توانند به پیش‌بینی رفتارهای ایالات متحده و واکنش‌های احتمالی خود در برابر این سیاست‌ها بپردازند و استراتژی‌های مناسبی برای مقابله با این تهدیدات طراحی کنند. این درک می‌تواند به کشورهای هدف کمک کند تا با اتخاذ تدابیر مناسب، از تأثیرات منفی این سیاست‌ها کاسته و به تقویت امنیت و ثبات داخلی خود بپردازند.

واژگان کلیدی: ابزارهای اقتصادی-نظامی، بازی جنگ، آمریکا

استناد: گل سرخ حق، محسن؛ اصغرزاده، اصغر؛ سعادت‌ی رازیان، جعفر؛ نیک‌خواه، بهمن (۱۴۰۴). مرور حیطه‌ای ابزارهای اقتصادی-نظامی در جنگ‌های آمریکا: نگاهی به لیبی، سوریه، عراق و ایران؛ فصلنامه پژوهش‌های راهبردی ارتش ۴(۱۳) ۹۱-۵۳.

۱. دکتری، مطالعات دفاعی راهبردی، دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران.

۲. استادیار، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه فرماندهی و ستاد آجا، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: a.asgharzadeh@casu.ac.ir

۳. مدرس دانشگاه افسری امام علی (ع)، تهران، ایران.

۴. کارشناس ارشد، مدیریت مالی، موسسه آموزش عالی علوم و توسعه پایدار آریا، تهران، ایران.

مقدمه

بازی جنگ آمریکا یک مفهوم کلیدی در تحلیل روابط بین‌الملل و استراتژی‌های نظامی، به بررسی تعاملات پیچیده میان قدرت‌های بزرگ و کشورهای هدف می‌پردازد. در این بازی، ابزارهای اقتصادی و نظامی به عنوان دو مؤلفه اصلی برای دستیابی به اهداف استراتژیک و سیاسی مورد استفاده قرار می‌گیرند (شادرام و مسلمی، ۱۳۹۸، ۴۰). کشورهای لیبی، سوریه، عراق و ایران نمونه‌های برجسته‌ای از این بازی هستند که در آن‌ها آمریکا با استفاده از ابزارهای مختلف، از جمله تحریم‌ها، مداخلات نظامی و حمایت از گروه‌های مسلح، به دنبال تأثیرگذاری بر روندهای سیاسی و اجتماعی این کشورها بوده است.

بازی جنگ آمریکا در منطقه آسیا به عنوان یکی از مهم‌ترین و پیچیده‌ترین ابعاد سیاست بین‌الملل معاصر، تحت تأثیر تحولات تاریخی، اقتصادی و نظامی قرار دارد. این منطقه به دلیل موقعیت جغرافیایی استراتژیک، منابع طبیعی غنی و جمعیت بالا، همواره مورد توجه قدرت‌های بزرگ بوده است. ایالات متحده به عنوان یک قدرت جهانی، در تلاش است تا نفوذ خود را در آسیا تقویت کند و در این زمینه با چالش‌های متعددی مواجه است (جمشیدی و همکاران، ۱۴۰۲، ۱۳۶).

لیبی، با سقوط رژیم معمر قذافی در سال ۲۰۱۱، به میدان جنگی برای رقابت‌های قدرت‌های جهانی تبدیل شد. آمریکا و ناتو با استفاده از حملات هوایی و حمایت از گروه‌های مخالف، به تغییر رژیم در این کشور کمک کردند. این مداخله نه تنها به تغییر ساختار سیاسی لیبی منجر شد، بلکه تبعات اقتصادی و اجتماعی عمیقی را نیز به همراه داشت (خسروی و مهاجری، ۱۳۹۲، ۳۷).

سوریه نیز در سال‌های اخیر به یکی از کانون‌های بحران در خاورمیانه تبدیل شده است. جنگ داخلی این کشور، به عرصه‌ای برای رقابت آمریکا تبدیل شده است. آمریکا با استفاده از ابزارهای اقتصادی نظیر تحریم‌ها و همچنین حمایت از گروه‌های مخالف، به دنبال تضعیف رژیم بشار اسد بوده است (نوری، ۱۳۹۹، ۷۹).

عراق، پس از سقوط رژیم صدام حسین در سال ۲۰۰۳، به یکی از نقاط کلیدی برای استراتژی‌های آمریکا در خاورمیانه تبدیل شد. مداخلات نظامی و تحریم‌های اقتصادی، به همراه تلاش برای ایجاد یک دولت دموکراتیک، نشان‌دهنده تلاش‌های آمریکا برای شکل‌دهی به آینده این کشور بود. اما این مداخلات به بروز بحران‌های امنیتی و اجتماعی در عراق منجر شد (خسروی و خسبانی یزدانی، ۱۳۹۸، ۹۰).

ایران نیز به عنوان یک قدرت منطقه‌ای، همواره در کانون توجه استراتژی‌های آمریکا قرار داشته است. تحریم‌های اقتصادی و فشارهای نظامی، به عنوان ابزارهایی برای محدود کردن نفوذ ایران در منطقه و تضعیف برنامه‌های هسته‌ای این کشور به کار گرفته شده‌اند. این فشارها نه تنها بر اقتصاد ایران تأثیر گذاشته، بلکه به تنش‌های سیاسی و اجتماعی نیز دامن زده است (دهشیری و غفوری، ۱۳۹۴، ۱۷۷).

دخالت آمریکا در کشورهای لیبی، سوریه، عراق و ایران به عنوان یک موضوع مهم در تحلیل روابط بین‌الملل و استراتژی‌های نظامی و اقتصادی، چالش‌های متعددی را به همراه داشته است.

از این رو پژوهشگران در تلاشند تا به درک عمیق‌تری از استراتژی‌های آمریکا در بازی جنگ اقتصادی-نظامی در منطقه خاورمیانه بپردازند.

همچنین هدف این پژوهش، تحلیل و بررسی ابعاد مختلف بازی جنگ اقتصادی-نظامی آمریکا در منطقه خاورمیانه و تأثیرات آن بر کشورهای لیبی، سوریه، عراق و ایران است. با رسیدن به این هدف، پژوهشگران می‌توانند به درک بهتری از پیچیدگی‌های روابط بین‌الملل و چالش‌های موجود در سیاست خارجی آمریکا دست یابند و راهکارهایی برای بهبود وضعیت امنیتی و سیاسی در منطقه پیشنهاد دهند.

بیان مسئله:

در دنیای پیچیده روابط بین‌الملل، بازی جنگ آمریکا به عنوان یک مفهوم کلیدی، نیازمند بررسی دقیق‌تری است تا مشخص شود که چه ابعاد و جنبه‌هایی در پژوهش‌های قبلی به خوبی تحلیل نشده‌اند یا نامفهوم باقی مانده‌اند. با توجه به تحولات اخیر در کشورهای لیبی، سوریه، عراق و ایران، این پژوهش به دنبال پاسخ به سؤالات اساسی است: چگونه ابزارهای اقتصادی و نظامی آمریکا در این کشورها به کار گرفته شده و چه تأثیراتی بر روندهای سیاسی و اجتماعی آن‌ها داشته است؟

پژوهش‌های پیشین عمدتاً به تحلیل کلی مداخلات نظامی و اقتصادی آمریکا پرداخته‌اند، اما کمتر به بررسی دقیق و جامع ابعاد مختلف این مداخلات و نتایج آن‌ها پرداخته‌اند. این کمبود اطلاعات و تحلیل‌های عمیق، ضرورت انجام این پژوهش را بیشتر می‌کند.

علاوه بر این، درک عمیق‌تری از استراتژی‌های آمریکا در این کشورها می‌تواند به شناسایی الگوهای رفتاری و تصمیم‌گیری‌های سیاسی کمک کند. به‌ویژه، بررسی چگونگی تأثیرگذاری این استراتژی‌ها بر ثبات سیاسی و اجتماعی در این کشورها، می‌تواند به تحلیل‌گران و سیاست‌گذاران کمک کند تا راهکارهای مؤثرتری برای بهبود وضعیت امنیتی و سیاسی در منطقه ارائه دهند.

این پژوهش به دنبال پر کردن این خلأ علمی و پاسخ به سؤالات کلیدی در زمینه بازی جنگ اقتصادی-نظامی آمریکا در خاورمیانه است و امیدوار است با ارائه تحلیل‌های دقیق، به درک بهتری از روابط بین‌الملل و چالش‌های موجود در سیاست خارجی آمریکا دست یابد.

مروری بر ادبیات تحقیق

بازی جنگ آمریکا به عنوان یک استراتژی پیچیده و چند وجهی، شامل استفاده از ابزارهای اقتصادی و نظامی برای دستیابی به اهداف سیاسی و امنیتی در کشورهای مختلف است. در این زمینه، کشورهای لیبی، سوریه، عراق و ایران نمونه‌های بارزی از نحوه کاربست این ابزارها در راستای منافع آمریکا هستند.

لیبی: تغییر رژیم و بحران قدرت

در لیبی، بازی جنگ آمریکا با مداخله نظامی در سال ۲۰۱۱ آغاز شد. آمریکا و ناتو با استفاده از حملات هوایی و حمایت از گروه‌های مخالف، به سقوط رژیم معمر قذافی کمک کردند. این مداخله به عنوان یک ابزار نظامی برای تغییر رژیم و ایجاد یک دولت دموکراتیک در نظر گرفته شد. اما پس از سقوط قذافی، لیبی به یک میدان جنگ داخلی تبدیل شد و گروه‌های مسلح مختلف بر سر کنترل کشور به رقابت پرداختند. در اینجا، ابزارهای اقتصادی مانند تحریم‌ها و کمک‌های مالی به گروه‌های مخالف، به عنوان ابزارهایی برای تأثیرگذاری بر روندهای سیاسی و اجتماعی به کار گرفته شدند. این وضعیت نشان‌دهنده ناکامی در ایجاد ثبات و امنیت در لیبی است (دولت‌خواه و امام‌جمعه‌زاده، ۱۳۹۴، ۶۱).

سوریه: جنگ داخلی و رقابت‌های منطقه‌ای

در سوریه، بازی جنگ آمریکا به شکل پیچیده‌تری در حال انجام است. جنگ داخلی این کشور به عرصه‌ای برای رقابت میان قدرت‌های بزرگ تبدیل شده است. آمریکا با استفاده از ابزارهای اقتصادی نظیر تحریم‌ها و حمایت از گروه‌های مخالف، به دنبال تضعیف رژیم بشار اسد و نفوذ ایران در این کشور بوده است. این مداخلات نه تنها به تشدید خشونت‌ها و بحران انسانی منجر شده، بلکه به افزایش تنش‌های منطقه‌ای و رقابت‌های قدرت‌های بزرگ نیز دامن زده است. در اینجا، آمریکا سعی کرده است با استفاده از ابزارهای اقتصادی و نظامی، به کنترل و مدیریت بحران بپردازد، اما نتایج آن به شکل‌گیری یک وضعیت بی‌ثبات و ناامن در سوریه منجر شده است (اشرفی و بابازاده جودی، ۱۳۹۴، ۶۷).

عراق: مداخلات نظامی و بحران‌های امنیتی

عراق، پس از سقوط صدام حسین، به میدان رقابت‌های استراتژیک تبدیل شد. مداخلات نظامی

آمریکا و تلاش برای ایجاد یک دولت دموکراتیک، با استفاده از ابزارهای اقتصادی نظیر تحریم‌ها و کمک‌های مالی، به بروز بحران‌های امنیتی و اجتماعی در این کشور منجر شده است. این بحران‌ها نه تنها بر ثبات داخلی عراق تأثیر گذاشته، بلکه به افزایش نفوذ گروه‌های افراطی و تنش‌های مذهبی نیز انجامیده است. در اینجا، آمریکا با استفاده از ابزارهای اقتصادی و نظامی، به دنبال کنترل و مدیریت وضعیت امنیتی بوده است، اما نتایج آن به شکل‌گیری یک وضعیت بی‌ثبات و ناامن در عراق منجر شده است (سهرابی، ۱۳۹۶، ۲۹).

ایران: فشار اقتصادی و نظامی

ایران به عنوان یک قدرت منطقه‌ای، همواره در کانون توجه استراتژی‌های آمریکا قرار داشته است. تحریم‌های اقتصادی و فشارهای نظامی به عنوان ابزارهایی برای محدود کردن نفوذ ایران و تضعیف برنامه‌های هسته‌ای این کشور به کار گرفته شده‌اند. این فشارها نه تنها بر اقتصاد ایران تأثیر گذاشته، بلکه به تنش‌های سیاسی و اجتماعی نیز دامن زده و موجب افزایش احساسات ضدآمریکایی در این کشور شده است. در اینجا، آمریکا سعی کرده است با استفاده از ابزارهای اقتصادی و نظامی، به کنترل و مدیریت نفوذ ایران در منطقه بپردازد (دارابی و طباطبایی، ۱۳۹۹، ۳۰).

تحریم‌های اقتصادی

تحریم‌های اقتصادی آمریکا به عنوان ابزاری برای اعمال فشار بر کشورها به منظور تغییر رفتارهای سیاسی، نظامی یا انسانی آن‌ها مطابق میل استفاده می‌شود. این تحریم‌ها می‌توانند تأثیرات عمیقی بر اقتصاد کشورها و زندگی مردم آن‌ها داشته و به شکل‌های مختلفی اعمال شوند که معمولاً شامل موارد زیر هستند:

۱. تحریم‌های مالی

- مسدود کردن دارایی‌ها: دارایی‌های مالی و بانکی کشور یا افراد خاصی که تحت تحریم قرار دارند، مسدود می‌شود.
- ممنوعیت معاملات مالی: ممنوعیت انجام معاملات مالی با بانک‌ها و مؤسسات مالی کشور تحریم شده (پالا، ۲۰۲۱).

۲. تحریم‌های تجاری

- ممنوعیت صادرات و واردات: محدودیت‌هایی برای صادرات کالاها و خدمات به کشور تحریم شده یا واردات از آن کشور.

- تحریم‌های هدفمند: تحریم‌هایی که بر روی صنایع خاصی مانند نفت، گاز، یا تکنولوژی های پیشرفته تمرکز دارند (همان).

۳. تحریم‌های نفتی

ممنوعیت خرید نفت: کشورها یا شرکت‌هایی که به خرید نفت از کشور تحریم‌شده پرداخته‌اند، ممکن است با تحریم‌های اقتصادی مواجه شوند (کاتزمن^۱، ۲۰۱۳).

۴. تحریم‌های نظامی

ممنوعیت فروش تسلیحات: ممنوعیت فروش و انتقال تسلیحات به کشور تحریم‌شده (دیزجی و فرزانگان، ۲۰۲۱).

۵. تحریم‌های شخصی

تحریم افراد خاص: افراد یا مقامات دولتی که به نقض حقوق بشر یا فعالیت‌های تروریستی متهم شده‌اند، ممکن است تحت تحریم قرار گیرند (ضیائی و محمدی مطلق، ۲۰۱۴).

۶. تحریم‌های ثانویه

فشار بر کشورهای ثالث: کشورهایی که با کشور تحریم‌شده تجارت می‌کنند، ممکن است تحت فشار قرار گیرند تا از تجارت با آن کشور خودداری کنند (درزner^۲، ۲۰۲۴).

۷. تحریم‌های بین‌المللی

همکاری با سازمان‌های بین‌المللی: آمریکا ممکن است با سازمان‌های بین‌المللی مانند سازمان ملل همکاری کند تا تحریم‌های چندجانبه‌ای علیه یک کشور وضع کند (الکساندر^۳، ۲۰۰۹).

حملات سایبری

یکی از ابزارهای مهم در سیاست‌های امنیتی و نظامی ایالات متحده است. این زیرساخت‌ها به عنوان نقاط ضعف کشورها شناسایی می‌شوند و آمریکا با استفاده از تکنیک‌های پیشرفته سایبری به دنبال نفوذ و ایجاد اختلال در آنها است. زیرساخت‌های مورد نظر آمریکا در این حملات شامل موارد زیر می‌شود (زاهد^۴، ۲۰۲۴؛ مالیک و نات^۵، ۲۰۲۴):

¹ Katzman

² Drezner

³ Alexander

⁴ Zahid

⁵ Mallick & Nath

۱. زیرساخت‌های فناوری اطلاعات: شامل سرورها، شبکه‌ها و سیستم‌های اطلاعاتی است که به عنوان هدف حملات سایبری قرار می‌گیرند. آمریکا به دنبال نفوذ به سیستم‌های حیاتی کشورها برای جمع‌آوری اطلاعات و ایجاد اختلال در عملکرد آنها است.

۲. زیرساخت‌های انرژی: تأسیسات نفت و گاز، نیروگاه‌ها و شبکه‌های توزیع انرژی از اهداف اصلی حملات سایبری هستند. هدف از این حملات می‌تواند ایجاد اختلال در تأمین انرژی یا جمع‌آوری اطلاعات درباره زیرساخت‌های انرژی کشورها باشد.

۳. زیرساخت‌های نظامی: سیستم‌های دفاعی و نظامی کشورها نیز هدف حملات سایبری قرار می‌گیرند. این شامل سیستم‌های کنترل سلاح، ارتباطات نظامی و پایگاه‌های داده اطلاعات نظامی است.

۴. زیرساخت‌های اقتصادی: بانک‌ها، بورس‌ها و سیستم‌های مالی نیز از دیگر اهداف حملات سایبری هستند. این حملات می‌توانند به منظور ایجاد بی‌ثباتی اقتصادی یا سرقت اطلاعات مالی انجام شوند.

۵. زیرساخت‌های اجتماعی و سیاسی: حملات سایبری می‌توانند به منظور تضعیف اعتماد عمومی به نهادهای دولتی یا ایجاد ناآرامی‌های اجتماعی انجام شوند. این شامل نفوذ به شبکه‌های اجتماعی و انتشار اطلاعات نادرست است.

حملات نظامی آمریکا

حملات نظامی آمریکا در طول تاریخ از سبک‌های کلاسیک به سمت روش‌های نوظهور تغییر کرده‌اند. این تغییرات در سبک‌های حملات نظامی نشان‌دهنده تحول در فناوری و استراتژی‌های نظامی آمریکا است (آنگستروم و دویستین^۱، ۲۰۱۰). در زیر به برخی از این سبک‌ها اشاره می‌کنم:

۱. حملات کلاسیک

- حملات زمینی: شامل عملیات‌های نظامی با استفاده از نیروهای پیاده‌نظام، زرهی و توپخانه. این نوع حملات معمولاً در جنگ‌های جهانی اول و دوم مشاهده می‌شود.
- حملات هوایی: استفاده از هواپیماها برای بمباران اهداف نظامی و غیرنظامی. این روش در جنگ ویتنام و جنگ جهانی دوم به‌طور گسترده‌ای استفاده شد.
- حملات دریایی: این نوع حملات می‌تواند شامل استفاده از ناوگان‌های دریایی، زیردریایی‌ها، و دیگر وسایل نقلیه دریایی باشد.

¹ Angstrom & Duyesteyn

۲. حملات متعارف

- جنگ‌های نیابتی: حمایت از گروه‌های مسلح در کشورهای دیگر برای دستیابی به اهداف استراتژیک. این نوع جنگ‌ها در خاورمیانه و آمریکای لاتین رایج بوده است.

- عملیات‌های ویژه: استفاده از نیروهای ویژه برای انجام مأموریت‌های خاص، مانند نجات گروگان‌ها یا نابودی اهداف کلیدی.

۳. حملات نوظهور

- استفاده از ربات‌ها و پهپادها: استفاده از فناوری‌های پیشرفته برای انجام حملات هوایی بدون نیاز به حضور نیروهای انسانی. این نوع حملات در جنگ‌های اخیر مانند جنگ علیه داعش مشاهده شده است (کوئیلو^۱، ۲۰۱۶، ۴۲۲).

- جنگ‌های بیولوژیکی و شیمیایی: استفاده از سلاح‌های بیولوژیکی و شیمیایی به‌عنوان ابزار جنگی، هرچند که استفاده از این سلاح‌ها تحت قوانین بین‌المللی محدود شده است.

پیشینه پژوهش

فیاض منش (۲۰۰۳) در تحقیقی تحریم‌های اقتصادی ایالات متحده علیه ایران را از سال ۱۹۷۹ به عنوان یک موضوع مهم در روابط بین‌الملل و سیاست خارجی آمریکا مورد توجه قرار داده است. این مقاله به تحلیل شرایطی می‌پردازد که ایالات متحده در آن زمان تصمیم به وضع تحریم‌های عمده علیه ایران گرفت. یکی از نقاط عطف این تحریم‌ها، مسدود کردن دارایی‌های دولت ایران توسط ایالات متحده در سال ۱۹۷۹ بود که به عنوان یک اقدام اولیه در این زمینه شناخته می‌شود. در دهه ۱۹۸۰، تحریم‌ها به عنوان بخشی از "سیاست دوگانه مهار" ایالات متحده در برابر ایران و عراق مطرح شدند. این سیاست به دنبال محدود کردن نفوذ ایران در منطقه و مقابله با تهدیدات آن بود. همچنین، در دهه ۱۹۹۰، نقش اسرائیل در تدوین و اجرای سیاست تحریم‌های ایالات متحده به وضوح نمایان شد، که نشان‌دهنده تأثیر لابی‌های خارجی بر تصمیمات سیاسی آمریکا است. علاوه بر این، تلاش‌های هماهنگ لابی‌گری شرکت‌های آمریکایی برای مقابله با تحریم‌ها و تأثیرات آن بر سیاست‌های اقتصادی و تجاری ایالات متحده نیز مورد بررسی قرار می‌گیرد. در نهایت، این مقاله به سیاست تحریم‌های نامنسجم و ناسازگار ایالات متحده نسبت به ایران در اواخر دهه ۱۹۹۰ می‌پردازد که به چالش‌های جدیدی در روابط دو کشور منجر شد.

¹ Coelho

فرزانگان و باتمانقلیج (۲۰۲۴) در تحقیقی به بررسی شاخص شدت تحریم‌های مبتنی بر اخبار برای ایران پرداخته و نتایج آن را در نمودار زیر ارائه داده‌اند. ایران پس از انقلاب اسلامی، انواع مختلفی از تحریم‌های اقتصادی را تجربه کرده است که عمدتاً توسط ایالات متحده وضع شده‌اند. این تحریم‌ها در سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۲، در دوران دولت محمود احمدی‌نژاد و به دلیل برنامه هسته‌ای ایران، شدت بیشتری یافتند. با این حال، در دوران برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) که بین سال‌های ۲۰۱۶ تا ۲۰۱۷ اجرا شد، این تحریم‌ها به طور قابل توجهی کاهش یافتند. اما پس از تصمیم دولت ترامپ برای خروج از برجام و بازگرداندن تحریم‌های اقتصادی در سال ۲۰۱۸، مجدداً شاهد افزایش این تحریم‌ها بودیم. در این تحقیق، نویسندگان توانسته‌اند واکنش شاخص‌های اقتصادی منتخب را به تغییرات در شاخص تحریم‌های مبتنی بر اخبار ردیابی کنند. با این حال، آن‌ها به چالش جداسازی نقش سوء مدیریت یا حکمرانی از تأثیرات تحریم‌ها اذعان دارند، که این موضوع نشان‌دهنده پیچیدگی‌های موجود در تحلیل اثرات تحریم‌ها بر اقتصاد ایران است.

فرزانگان (۲۰۱۳) یک بررسی توصیفی درباره کانال‌های ممکن که از طریق آن‌ها تحریم‌های اقتصادی می‌توانند اندازه نسبی اقتصاد غیررسمی را افزایش دهند، ارائه می‌دهد و به‌ویژه بر تحریف بازار ارز تمرکز دارد. او توضیح می‌دهد که چگونه ترکیبی از افزایش تقاضا برای ارزهای سخت در دوران تحریم و عدم قطعیت‌های اقتصادی همراه با محدودیت عرضه ارزهای خارجی در بازار به دلیل تحریم‌های نفتی، منجر به افزایش حقایق بازار سیاه برای ارزهای اصلی مانند دلار آمریکا یا یورو شده است.

یوتینکووا^۱ (۲۰۲۱) در رساله دکتری خود با عنوان "حملات سایبری علیه ایران به عنوان ابزار جنگ هیبریدی" به بررسی امنیت سایبری به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مسائل در زمینه سیاست جهانی پرداخته است. او تأکید می‌کند که توجه به موضوعات این حوزه ضروری است، زیرا این مسائل می‌توانند تأثیرات عمده‌ای بر روابط بین‌الملل داشته باشند. این پایان‌نامه بر تحلیل، ویژگی‌یابی و دسته‌بندی حملات سایبری که از سال ۲۰۰۷ به جمهوری اسلامی ایران صورت گرفته، متمرکز است. هدف این تحقیق دوگانه است: نخست، ارائه تصویری جامع از این حوادث و دوم، تعیین اینکه آیا این حملات می‌توانند به‌عنوان شواهدی از جنگ ترکیبی برخی کشورها

¹ Utinková

علیه ایران در نظر گرفته شوند یا خیر. برای این منظور، داده‌ها و گزارش‌های مربوط به حملات سایبری با استفاده از طبقه‌بندی اوویدیت^۱ تحلیل شده‌اند تا ویژگی‌های اساسی آن‌ها مشخص شود. سپس این ویژگی‌ها با تعریف جنگ ترکیبی مقایسه گردیدند. نتیجه نهایی تحلیل یوتینکووی این است که حملات سایبری علیه ایران نمی‌توانند به‌عنوان جنگ ترکیبی در نظر گرفته شوند، زیرا اصول اساسی مفهوم جنگ ترکیبی را برآورده نمی‌کنند. او پیشنهاد می‌کند که این حملات باید تحت عنوان "بازی جنگ آمریکا" مورد بررسی قرار گیرند.

فاتما (۲۰۱۹) در تحقیقی با عنوان "دلایل و پیامدهای مداخله نظامی آمریکا در سوریه" به بررسی حمله نظامی آمریکا به سوریه به اتهام استفاده از سلاح‌های شیمیایی می‌پردازد که یکی از مهم‌ترین و جنجالی‌ترین موضوعات در سیاست خارجی ایالات متحده در سال‌های اخیر بوده است. در سال‌های ۲۰۱۳ و ۲۰۱۷، گزارش‌هایی از استفاده از سلاح‌های شیمیایی توسط رژیم بشار اسد علیه غیرنظامیان منتشر شد که این حملات به شدت مورد انتقاد جامعه جهانی قرار گرفت و به عنوان نقض قوانین بین‌المللی شناخته شد. آمریکا به سرعت واکنش نشان داد و ۵۹ موشک کروز تاماهاوک به سمت پایگاه هوایی الشعیرات در سوریه شلیک کرد. این حمله به عنوان یک اقدام تنبیهی علیه رژیم اسد در نظر گرفته شد. در تاریخ ۱۴ آوریل ۲۰۱۸، آمریکا به همراه بریتانیا و فرانسه، حملات هوایی دیگری را انجام دادند که این حملات به تأسیسات مرتبط با برنامه سلاح‌های شیمیایی سوریه به ادعای آمریکا هدف قرار گرفت. در مقابل، دیگر کشورها مانند روسیه و ایران به شدت به این حملات انتقاد کردند و آن را نقض حاکمیت سوریه خواندند. در نهایت، این حملات به‌طور موقت تأثیراتی بر روی وضعیت نظامی در سوریه داشت، اما بحران انسانی و سیاسی در این کشور ادامه یافت و به تشدید تنش‌ها بین آمریکا و روسیه منجر شد.

آزاده (۱۳۹۰) در تحقیقی با عنوان "اهداف ناتو در لیبی" به این نکته اشاره می‌کند که ناتو از فرصت‌های پیش‌آمده بهره‌برداری کرد و با انطباق اهداف خود با تهدیدهای جامعه بین‌المللی، به ویژه سازمان ملل، خود را به عنوان پلیس بین‌الملل و نیروی نظامی حافظ امنیت جهانی معرفی نمود. آمریکا، به دلیل رویکرد یک‌جانبه‌گرایانه‌اش، در حمله به افغانستان نقش کمی به ناتو داد و تنها پس از جنگ از نیروهای ناتو برای امنیت‌سازی استفاده کرد. با وجود اینکه آمریکا فرمانده ناتو است، از دخالت مستقیم در لیبی خودداری کرد و باراک اوباما از ناتو به

^۱AVOIDIT

عنوان ابزاری پوششی برای تحقق اهداف جهانی خود استفاده کرد. در نشست لیسبون، ناتو به راهبرد «پیش‌روی کند و محتاطانه» توافق کرد که به تأخیر در پایان دیکتاتوری فذافی منجر شد تا مخالفان با یک کشور ویران شده روبه‌رو شوند و وابستگی بیشتری به غرب پیدا کنند. اردستانی (۱۳۸۱) در تحقیقی با عنوان "تأثیر اسرائیل بر تعمیق بحران ایران و آمریکا" به بررسی فراز و نشیب‌های روابط ایران و ایالات متحده، پیش و پس از انقلاب، پرداخته است. این مقاله با هدف تحلیل روابط دو کشور بر اساس وضعیت موجود و نقش و تأثیر اسرائیل در این زمینه نوشته شده است. محورهای مورد بحث شامل سیاست آمریکا در قبال ایران، روابط استراتژیک آمریکا و اسرائیل، روند صلح خاورمیانه، مسئله تروریسم و حساسیت‌های امنیتی و توانایی‌های تسلیحاتی ایران است. نویسندگان با استناد به آخرین تحولات منطقه و ارائه داده‌ها و شواهد متعدد، نشان می‌دهد که اتهامات آمریکا علیه ایران در سال‌های اخیر، از جمله اخلاص در روند صلح خاورمیانه، تلاش برای دستیابی به سلاح‌های کشتار جمعی و حمایت از تروریسم، همسو با منافع و نگرانی‌های امنیتی اسرائیل است. بنابراین، در بررسی روابط ایران و آمریکا، نقش اسرائیل به عنوان یک متغیر مهم و تأثیرگذار نمی‌تواند نادیده گرفته شود.

شهاب‌الدین و لافلین^۱ (۱۹۹۹) در مقاله‌ای با عنوان "تحریم‌های اقتصادی علیه عراق: هزینه‌های انسانی و اقتصادی" به این نتیجه رسیدند که تحریم‌های اقتصادی اعمال شده علیه عراق با هدف جلوگیری از اشغال کویت بوده است. این تحریم‌ها منجر به بروز تورم شدید، افزایش بیکاری و بحران انسانی گردید که به‌طور نامتناسبی بر غیرنظامیان تأثیر گذاشت و نه بر دولت.

مک‌منوس^۲ (۲۰۰۱) در مقاله‌ای تحت عنوان "تحریم‌های اقتصادی علیه عراق: زمان تغییر است؟" به بررسی تحریم‌های اقتصادی اعمال شده بر عراق پس از جنگ خلیج فارس پرداخته است. این مقاله تأثیرات اجرایی و انسان‌دوستانه این تحریم‌ها را مورد تحلیل قرار می‌دهد. نویسندگان در این گزارش استدلال‌هایی را برای حفظ و اصلاح این تحریم‌ها ارائه می‌دهد و در نهایت، ارزیابی مجدد اثربخشی و پیامدهای آن‌ها برای انطباق عراق را توصیه می‌کند.

تگولوند^۳ (۲۰۰۶) در پژوهشی تحت عنوان "تحریم‌های اقتصادی به عنوان جنگ: مطالعه‌ای درباره تحریم‌های اقتصادی علیه عراق ۱۹۹۰-۲۰۰۳" به بررسی تحریم‌های اقتصادی عراق که

¹ Shehabaldin & Laughlin

² McManus

³ Teglund

با قطعنامه ۶۶۱ سازمان ملل متحد در ۶ اوت ۱۹۹۰ آغاز شد، پرداخته است. این تحریم‌ها شامل مجموعه‌ای از اقدامات جامع بودند که بر تمامی بخش‌های اقتصاد تأثیر گذاشتند، از جمله تحریم‌های تجاری، محدودیت‌های مالی و ممنوعیت سفر. هدف اصلی این تحریم‌ها، فشار آوردن به صدام حسین برای خروج از کویت بود.

گوردون^۱ (۲۰۱۳) در مقاله‌ای با عنوان "تحریم‌های اقتصادی و حکمرانی جهانی: مورد عراق" به بررسی تحریم‌های اقتصادی اعمال‌شده بر عراق در سال ۱۹۹۰ می‌پردازد. این تحریم‌ها به‌طور جامع شامل ممنوعیت فروش نفت و بیشتر واردات بودند و پیامدهای شدید بشردوستانه‌ای را به همراه داشتند. برخلاف تحریم‌های قبلی، این تحریم‌ها نشان می‌دهند که چگونه اقدامات شدید اقتصادی می‌توانند منجر به رنج گسترده‌ای شوند که شباهت زیادی به تبعات جنگ دارد.

ارتیمی و اقباب^۲ (۲۰۲۲) در مقاله‌ای با عنوان "تأثیر تحریم‌های اقتصادی بر صنعت نفت: مطالعه موردی لیبی با استفاده از روش کنترل مصنوعی" به بررسی تحریم‌های اقتصادی لیبی که از سال ۱۹۹۲ آغاز شد، می‌پردازند. این تحریم‌ها تأثیرات قابل توجهی بر صادرات نفت و رشد اقتصادی این کشور داشتند. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که تحریم‌ها منجر به کاهش ۲۴ درصدی صادرات نفت در سال اول شدند و همچنین چالش‌های منابع در لیبی را تشدید کردند. این تحقیق به تحلیل عمیق‌تر پیامدهای اقتصادی تحریم‌ها بر صنعت نفت و وضعیت اقتصادی لیبی می‌پردازد و اهمیت درک این تأثیرات را در زمینه سیاست‌های بین‌المللی مورد تأکید قرار می‌دهد.

کالینز^۳ (۲۰۰۴) در مقاله‌ای با عنوان "بازداشتن حمایت دولتی از تروریسم: حملات یا تحریم‌ها؟ (تحلیلی از اقدامات بازدارنده به کار رفته علیه لیبی)" به بررسی تحریم‌های اقتصادی لیبی می‌پردازد که شامل تحریم‌های یکجانبه و چندجانبه بود. این مطالعه نشان می‌دهد که تحریم‌های یکجانبه که در سال ۱۹۸۶ اعمال شدند، توانستند فراوانی حملات تروریستی تحت حمایت لیبی را کاهش دهند، اما تأثیری بر کاهش مرگ و میر ناشی از این حملات نداشتند.

¹ Gordon

² Ertimi & Oqab

³ Collins

از سوی دیگر، تحریم‌های چندجانبه که از سال ۱۹۹۲ آغاز شدند، در نهایت منجر به برچیدن برنامه حمایت تروریستی لیبی شدند.

آنالیتیکا^۱ (۲۰۲۲) در مقاله‌ای با عنوان "محاصره‌های نفتی موجب مخالفت مردم لیبی خواهند شد" به بررسی تأثیرات محاصره‌های نفتی بر جامعه لیبی می‌پردازد. این مقاله نشان می‌دهد که چنین اقداماتی می‌تواند منجر به افزایش نارضایتی در میان مردم شود و به طور بالقوه به بی‌ثباتی منطقه و پیچیدگی چشم‌انداز سیاسی منجر گردد. نویسنده به تحلیل این موضوع می‌پردازد که چگونه محاصره‌های اقتصادی نه تنها بر منابع مالی کشور تأثیر می‌گذارند، بلکه احساسات عمومی را نیز تحت تأثیر قرار داده و می‌توانند به افزایش تنش‌ها و نارضایتی‌های اجتماعی منجر شوند. این تحقیق اهمیت درک پیامدهای اجتماعی و سیاسی محاصره‌های نفتی را در زمینه تحولات لیبی مورد تأکید قرار می‌دهد.

گلدنهاوس^۲ (۲۰۰۳) در مقاله‌ای با عنوان "رفتار نقض‌کننده قواعد لیبی قذافی" به بررسی تحریم‌های اقتصادی علیه لیبی می‌پردازد. این تحریم‌ها به دلیل نقض هنجارهای بین‌المللی از جمله تروریسم و نقض حقوق بشر بر این کشور تحمیل شدند. هدف از این تحریم‌های یکجانبه و جمعی، فشار آوردن به رژیم قذافی برای تطابق با استانداردهای پذیرفته‌شده رفتار دولتی و بهبود رفتار آن بود. نویسنده به تحلیل چگونگی تأثیر این تحریم‌ها بر سیاست‌ها و رفتار لیبی می‌پردازد و به بررسی پیامدهای آن بر روابط بین‌المللی این کشور و جامعه جهانی می‌پردازد. این تحقیق اهمیت درک تأثیرات تحریم‌ها بر رفتار دولت‌ها و چالش‌های ناشی از نقض هنجارهای بین‌المللی را مورد تأکید قرار می‌دهد.

رناک^۳ (۲۰۰۶) در گزارشی با عنوان "لیبی: مبنای قانونی تحریم‌های اقتصادی ایالات متحده" به بررسی دلایل و مبنای قانونی تحریم‌های اقتصادی ایالات متحده علیه لیبی می‌پردازد. این تحریم‌ها به دلیل تعیین لیبی به عنوان کشور حامی تروریسم، محدود کردن صادرات، کمک‌های خارجی و حمایت مالی اعمال شدند. نویسنده توضیح می‌دهد که اکثر این تحریم‌ها در سال ۲۰۰۴ لغو شدند، اما محدودیت‌های قابل توجهی همچنان در زمینه تروریسم و مقالات دفاعی برقرار است. این گزارش به تحلیل تأثیرات این تحریم‌ها بر روابط اقتصادی و سیاسی

¹ Analytica

² Geldenhuys

³ Rennack

بین ایالات متحده و لیبی می‌پردازد و به بررسی چالش‌های ناشی از این تحریم‌ها در زمینه همکاری‌های بین‌المللی و امنیتی اشاره می‌کند.

سیلز و الکاسیمی^۱ (۲۰۲۰) در مقاله‌ای با عنوان "تحریم عربستان از طریق قانون سزار: خشونت اقتصادی و نگرانی‌های امپریالیستی در خاورمیانه" به بررسی تأثیرات تحریم‌های اقتصادی علیه سوریه، به ویژه از طریق قانون سزار، می‌پردازند. این تحریم‌ها به شدت بر اقتصادهای منطقه‌ای لبنان و اردن تأثیر گذاشته و منجر به اثرات مضر بر ترازنامه‌های اقتصادی این کشورها شده است. نویسندگان تحلیل می‌کنند که این تحریم‌ها به نفع هژمونی ایالات متحده در خاورمیانه تقسیم شده و به چالش‌های اقتصادی و اجتماعی در این کشورها دامن زده است.

سلیمان و خوانده^۲ (۲۰۲۰) در مقاله‌ای با عنوان "بخش خارجی: بین ازدحام و تحریم‌ها در مورد اقتصاد سوریه، ۱۹۸۷-۲۰۱۸" به بررسی تأثیر تحریم‌های اقتصادی قابل توجهی که از مارس ۲۰۱۱ توسط ایالات متحده، اتحادیه اروپا، اتحادیه عرب و سایر نهادها علیه سوریه اعمال شد، می‌پردازند. این تحریم‌ها به شدت بر اقتصاد سوریه تأثیر گذاشت و هدف از آن‌ها فشار بر دولت سوریه در بحبوحه بحران جاری بود. نویسندگان به تحلیل چگونگی تأثیر این تحریم‌ها بر بخش‌های مختلف اقتصادی سوریه و پیامدهای آن بر زندگی مردم و شرایط اجتماعی در این کشور می‌پردازند.

آکس استرنبرگ^۳ (۲۰۰۴) در مقاله‌ای با عنوان "سوریه تحت فشار" که در نشریه مطالعات فلسطین منتشر شده است، به بررسی تحریم‌های اقتصادی ایالات متحده علیه سوریه می‌پردازد. این تحریم‌ها که در ماه مه ۲۰۰۴ بر اساس قانون پاسخگوی سوریه اعمال شدند، به حضور نظامی سوریه در لبنان، حمایت از حزب الله و ادعای تسلیحات کشتار جمعی هدف‌گذاری شده بودند. این تحریم‌ها تأثیر قابل توجهی بر روابط تجاری و دیپلماتیک سوریه داشتند و به تحلیل چالش‌هایی که سوریه در این زمینه با آن‌ها مواجه بود، می‌پردازد.

توربات^۴ (۲۰۲۰) در مقاله‌ای با عنوان "تحریم‌های اقتصادی علیه ایران" به بررسی تحریم‌های اقتصادی علیه ایران می‌پردازند. این تحریم‌ها که توسط ایالات متحده، شورای امنیت سازمان ملل متحد و اتحادیه اروپا اعمال شده بودند، هدفشان توقف برنامه هسته‌ای ایران بود.

¹ Sills & Al-Kassimi

² Suliman & Khwanda

³ Strindberg

⁴ Torbat

نویسندگان به تحلیل این تحریم‌ها به عنوان بخشی از یک استراتژی دیپلماسی اجباری می‌پردازند که فشار اقتصادی را با تهدیدات نظامی در حین مذاکره با ایران ترکیب می‌کند. آموزگار^۱ (۱۹۹۷) در مقاله‌ای با عنوان "اقتصاد ایران و تحریم‌های ایالات متحده" به بررسی تحریم‌های اقتصادی ایالات متحده علیه ایران می‌پردازد. از ژانویه ۱۹۸۴، ایران با افزایش این تحریم‌ها مواجه شده است که به تحریم کامل تجاری و سرمایه‌گذاری منجر شده است. هدف از این تحریم‌ها جریمه کردن ایران به اتهام تخلفات بین‌المللی است، که تأثیر قابل توجهی بر عملکرد اقتصادی ایران دارد و مانع رفاه ملی می‌شود.

جیکوبسن و رینگرموس^۲ (۲۰۱۷) در مقاله خود با عنوان "سایبر بمب‌گذاری داعش: چرا اطلاعاتی را افشا کنیم که بهتر است محرمانه بمانند؟" به بررسی عملیات سایبری عمومی ارتش آمریکا علیه داعش در سوریه می‌پردازند. این مقاله به تحلیل اهداف این عملیات می‌پردازد که شامل مشروعیت بخشیدن به سرمایه‌گذاری‌ها در قابلیت‌های سایبری، تضعیف اعتماد دشمن به زیرساخت‌های فناوری اطلاعات، نشان دادن قدرت به اشخاص ثالث و ایجاد هنجارهایی برای استفاده از سلاح‌های سایبری تحت قوانین بین‌المللی بشردوستانه است. کشر و کشر^۳ (۲۰۱۳) در مقاله خود با عنوان "جرائم سایبری و امنیت سایبری در اقتصادهای خاورمیانه و شمال آفریقا" به بررسی افزایش جرائم سایبری در این منطقه می‌پردازند. یکی از نمونه‌های بارز این فعالیت‌ها، هک حساب ایمیل بشار اسد، رئیس‌جمهور سوریه در سال ۲۰۱۱ و حملات سایبری متعددی است که سوریه را هدف قرار داده‌اند. این حملات بخشی از روند گسترده‌تری هستند که نشان‌دهنده افزایش جرائم سایبری در خاورمیانه و شمال آفریقا می‌باشند. نویسندگان با تحلیل این پدیده، به چالش‌ها و تهدیدات امنیت سایبری در این منطقه و تأثیر آن بر اقتصاد و سیاست‌های امنیتی کشورهای مربوطه می‌پردازند.

بولانژه^۴ (۲۰۱۰) در مقاله خود با عنوان "حملات به زیرساخت‌های اینترنت" در کتاب "جرائم سایبری: یک تحلیل چندرشته‌ای" به بررسی آسیب‌پذیری زیرساخت‌های اینترنت در برابر حملات سایبری می‌پردازد. این مقاله تأکید می‌کند که چنین حملاتی می‌تواند به شدت بر سازمان‌های دولتی، از جمله بانک‌ها تأثیر بگذارد و به طور بالقوه منجر به اختلال اقتصادی

¹ Amuzegar

² Jacobsen & Ringsmose

³ Kshetri & Kshetri

⁴ Boulanger

قابل توجه و تعطیلی عملیاتی شود. به ویژه در مناطقی مانند عراق که به خدمات دیجیتال وابسته هستند، این تهدیدات می‌تواند عواقب وخیمی داشته باشند. نویسنده با تحلیل این موضوع، به اهمیت تقویت امنیت زیرساخت‌های اینترنتی و نیاز به اقدامات پیشگیرانه در برابر حملات سایبری اشاره می‌کند.

عباس و فاطیما^۱ (۲۰۲۴) در مقاله خود با عنوان "تهدیدات امنیت سایبری به ایران و تدابیر مقابله‌ای: استراتژی‌های سایبری دفاعی و تهاجمی" به بررسی چالش‌های امنیت سایبری ایران می‌پردازند. این کشور به دلیل آسیب‌پذیری‌های امنیتی از جمله باج‌افزار، کلاهبرداری و بدافزارهای پیچیده با حملات سایبری متعددی روبرو است. در پاسخ به این تهدیدات، ایران تیم‌های امنیتی سایبری را تشکیل داده، فناوری‌های نوآورانه را اتخاذ کرده و بر همکاری برای تقویت استراتژی‌های سایبری دفاعی و تهاجمی خود تأکید کرده است. نویسندگان با تحلیل این اقدامات، به اهمیت تقویت زیرساخت‌های امنیت سایبری و نیاز به استراتژی‌های جامع در برابر تهدیدات سایبری اشاره می‌کنند.

اوروا و عباسی^۲ (۲۰۲۴) در مقاله خود با عنوان "تهدیدات سایبری به ایران از سوی ایالات متحده و اسرائیل: استراتژی‌های مقابله‌ای ایران" به بررسی حملات سایبری از سوی ایالات متحده و اسرائیل می‌پردازند. این تحقیق نشان می‌دهد که این حملات به طور قابل توجهی امنیت ملی ایران را تهدید می‌کند و به افزایش تنش‌ها کمک می‌کند. مقاله به بررسی استراتژی‌های اساسی استفاده شده توسط این کشورها و نتایج فاجعه‌بار بالقوه جنگ سایبری در حال انجام می‌پردازد. نویسندگان با تحلیل این تهدیدات، به اهمیت اتخاذ تدابیر مناسب و استراتژی‌های دفاعی در برابر این حملات اشاره می‌کنند.

باومن^۳ (۲۰۰۳) در مقاله خود با عنوان "عراق: عملیات نظامی ایالات متحده" به بررسی حملات نظامی آمریکا در عراق می‌پردازد. این حملات با یک حمله هوایی ۷۲ تا ۹۶ ساعته آغاز شد که هدف آن فلج کردن ساختار فرماندهی عراق و کاهش روحیه مقاومت بود. پس از این مرحله، عملیات زمینی همزمان انجام شد و با موفقیت برای تأمین امنیت شهرهای بزرگ و میدانی نفتی، ضمن به حداقل رساندن تلفات غیرنظامیان، ادامه یافت.

¹ Abbas & Fatima

² Urwa & Abbasi

³ Bowman

مارتین^۱ (۲۰۱۵) در مقاله خود با عنوان "مداخله نظامی ایالات متحده برای مبارزه با داعش" به بررسی حملات نظامی آمریکا در عراق می‌پردازد. این حملات با هدف مبارزه با داعش، که تهدیدی جدی برای ثبات منطقه و امنیت ملی آمریکا محسوب می‌شد، انجام شد. مداخله‌ها شامل حملات هوایی و پتانسیل نیروهای زمینی بود.

گرتلر^۲ (۲۰۱۱) در مقاله خود با عنوان "عملیات سپیده دم اودیسه (لیبی): پیش‌زمینه و مسائل برای کنگره" به بررسی حملات نظامی آمریکا در لیبی می‌پردازد. این حملات در جریان عملیات سپیده دم اودیسه، نیروهای مکانیزه، توپخانه، سایت‌های موشکی زمین به هوا و شبکه‌های فرماندهی و کنترل را هدف قرار داد. هدف اصلی این عملیات، حفاظت از جمعیت غیرنظامی و سرکوب تهدیدات نیروهای قذافی، به ویژه هلیکوپترها بود.

روش شناسی

روش‌شناسی این پژوهش به صورت مرور حیطه‌ای طراحی شده است که به بررسی ابزارهای اقتصادی-نظامی در جنگ‌های آمریکا در کشورهای لیبی، سوریه، عراق و ایران می‌پردازد. این روش به دلیل دقت و سخت‌گیری بیشتری که نسبت به مرورهای سنتی دارد، انتخاب شده است. مرور حیطه‌ای به جمع‌آوری و تحلیل دقیق پیشینه پژوهش‌ها می‌پردازد و به پژوهشگر این امکان را می‌دهد که با شناسایی و کنار گذاشتن پژوهش‌های غیر مرتبط و بی‌ارزش، به یک ترکیب مناسب از اطلاعات دست یابد. با استفاده از چارچوب ۶ مرحله‌ای آرکسی و اومالی^۳، این پژوهش به شناسایی و تعریف سؤالات پژوهش، انتخاب مطالعات مرتبط، ترسیم داده‌ها و گزارش‌دهی یافته‌ها می‌پردازد. این فرآیند به شناسایی شکاف‌های پژوهشی و مرزهای مفهومی حوزه مورد نظر کمک خواهد کرد و در نهایت به درک بهتری از تأثیرات ابزارهای اقتصادی-نظامی در این جنگ‌ها منجر می‌شود.

این شش مرحله به شرح زیر است:

۱. شناسایی و تعریف سؤال پژوهش

۲. شناسایی مطالعات مرتبط

۳. انتخاب مطالعات مرتبط با سؤال پژوهش

۴. ترسیم جدولی داده‌ها

¹ Martin

² Gertler

³ Arksey & O'Malley

۵. مرتب‌سازی، خلاصه‌سازی و گزارش‌دهی یافته‌ها

۶. رایزنی و مشاوره اختیاری با ذی‌نفعان در مورد یافته‌ها

برای این منظور، پایگاه‌های اطلاعاتی معتبر به زبان‌های انگلیسی، عربی و فارسی با محدوده زمانی مشخص از مبنای زمانی وقوع حملات سایبری از سال ۱۹۹۵ تا سال ۲۰۲۴ مورد بررسی قرار گرفتند. این پایگاه‌ها شامل منابع علمی، مقالات خبری، گزارش‌های تحلیلی و مستندات دولتی بودند که به تحلیل و بررسی تحریم اقتصادی، حملات سایبری به تأسیسات هسته‌ای و شبکه‌های مالی و بانکی و تهدید و حمله نظامی به کشورهای ایران، سوریه، لیبی و عراق پرداخته‌اند. روش نمونه‌گیری در این تحقیق نمونه‌گیری هدفمند و چهار کشور لیبی، سوریه، عراق و ایران به‌عنوان نمونه موردی برای مطالعه انتخاب گردید. علت انتخاب شدن این چهار کشور از جنبه‌های مختلف قابل تبیین است. یکی از مهم‌ترین دلایل انتخاب این کشورها، چالش سیاسی مشترک از منظر آمریکا و در قرن بیست و یکم با جنگ و تغییرات رژیم مواجه شده‌اند. همچنین این کشورها به‌عنوان بازیگران کلیدی در تحولات خاورمیانه شناخته می‌شوند که مؤید مناسب بودن این کشورها برای شناسایی ابزارهای اقتصادی-نظامی آمریکا در بازی جنگ است.

گام اول، شناسایی و تعریف سؤال پژوهش

سؤال پژوهش در گام اول به‌طور کاملاً شفاف بیان شده چراکه وجود ابهام در سؤال می‌تواند ابعاد مطالعات را تحت تأثیر قرار دهد. دامنه سؤالات پژوهش در مرور حیطه‌ای گسترده‌تر از دیگر انواع مرور است، اما مراقبت شده که این گستردگی و وسعت به‌میزانی نباشد که از بودجه و زمان مورد نظر برای انجام آن فراتر رود و هدف مورد نظر در ذهن تحقق نیابد. در این مرحله، سؤالات کلیدی پژوهش شناسایی و تعریف شده‌اند. سؤالات اصلی شامل بررسی نقش ابزارهای اقتصادی-نظامی در جنگ‌های آمریکا و تأثیرات آن‌ها بر کشورهای لیبی، سوریه، عراق و ایران است. این سؤالات به‌عنوان راهنمای اصلی در مراحل بعدی عمل کرده و در انتهای مقدمه آورده شد.

گام دوم، شناسایی مطالعات مرتبط

با توجه به تلاش مرور حیطه‌ای برای شناسایی کامل مطالعات، هدف اصلی این مرحله افزایش دقت در جستجوی منابع مرتبط است (سرچنت و اوکانر، ۲۰۲۰). در این فرآیند، از قابلیت‌های پایگاه‌های داده معتبر علمی مانند اسکوپوس، پروکوئست، ابسکو، گوگل اسکولار و امرالد

استفاده شده است. معیارهای انتخاب و عدم انتخاب که در مراحل دوم و سوم جستجو مد نظر قرار گرفته، شامل موارد زیر می‌باشد:

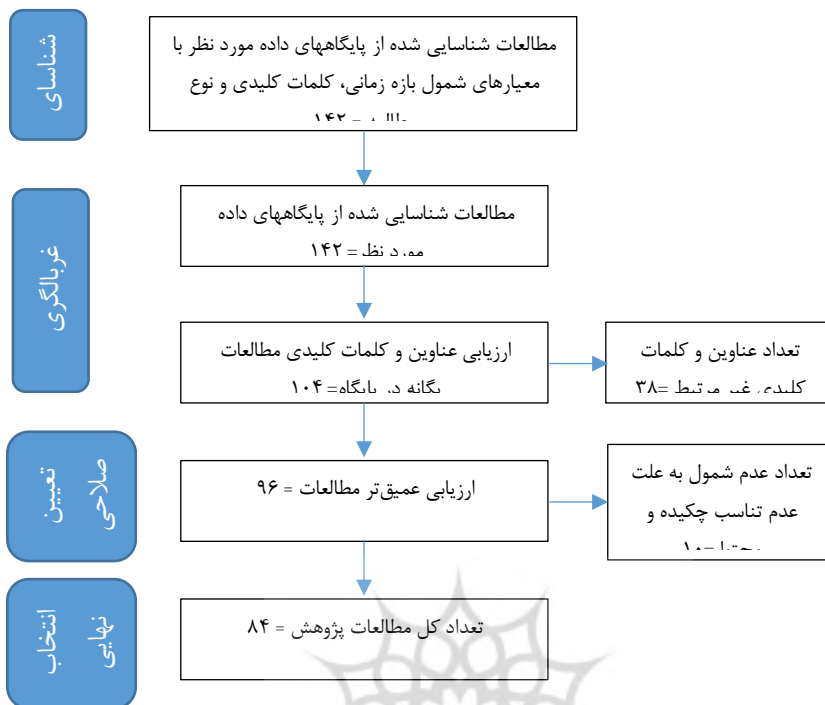
الف) تاریخ انتشار مطالعات: در این زمینه از سال ۱۹۹۵ تا ۲۰۲۴ در نظر گرفته شده است. در تحقیقاتی که به بررسی ابزارهای اقتصادی-نظامی در جنگ‌های آمریکا پرداخته‌اند، تأثیرات این ابزارها بر کشورهای لیبی، سوریه، عراق و ایران به طور گسترده‌ای تحلیل شده است. با گذشت نزدیک به ۳۰ سال از اولین مطالعات در این حوزه، نیاز به مرور مجدد و به‌روزتر مطالعات به وضوح احساس می‌شود. با توجه به اهمیت و جامعیتی که این مطالعات داشته‌اند، تاریخ انجام آن‌ها به عنوان نقطه شروع مرور حیطه‌ای در این پژوهش تا سال ۲۰۲۴ در نظر گرفته شده است. همچنین، منابعی که در این مطالعات به آن‌ها استناد شده، به دلیل اهمیت‌شان مورد بررسی قرار گرفته و مهم‌ترین آن‌ها به مطالعات جدید اضافه شده است. این مرور به ویژه در زمینه تأثیرات ابزارهای اقتصادی-نظامی بر کشورهای مذکور، که تأثیرات عمیقی بر سیاست‌ها و امنیت منطقه‌ای داشته‌اند، حائز اهمیت است.

ب) تکراری بودن مطالعات: به طور طبیعی، بسیاری از مطالعات موجود در هر پایگاه داده با مطالعات دیگر پایگاه‌ها همپوشانی دارند. بنابراین، در مرحله انتخاب، به حذف موارد تکراری توجه ویژه‌ای شد.

ج) عدم ارتباط محتوایی: عدم تناسب محتوایی میان موضوع مطالعه و پرسش پژوهش.

د) عدم دسترسی: با وجود تلاش‌های صورت گرفته، پژوهشگر تنها به تعداد محدودی از مطالعات دسترسی پیدا کرده است. برای استخراج منابع اطلاعاتی از پایگاه‌های داده، تعریف کلیدواژه‌های مناسب و هدفمند ضروری است.

گام سوم، انتخاب مطالعات مرتبط با سؤال پژوهش



نمودار ۱: فرآیند انتخاب و جمع‌بندی مطالعات منتخب

گام چهارم، ترسیم جدولی داده‌ها

جدول ۱: دسته‌بندی وقایع و تاریخ وقوع

تاریخ وقوع	شرح واقعه	کشور	ابزار
۱۹۹۰	عراق به کویت حمله کرد و این اقدام منجر به واکنش‌های بین‌المللی شد. شورای امنیت سازمان ملل بلافاصله تحریم‌های اقتصادی علیه عراق وضع کرد. این تحریم‌ها شامل: - ممنوعیت فروش سلاح به عراق. - محدودیت‌های تجاری و مالی. - مسدود کردن دارایی‌های دولت عراق در خارج از کشور.	عراق	اقتصادی
۱۹۹۱	در سال ۱۹۹۱، جنگ خلیج فارس آغاز شد. ائتلاف بین‌المللی به رهبری ایالات متحده به عراق حمله کرد و رژیم صدام حسین را هدف قرار داد. تحریم‌ها همچنان ادامه یافت و به شدت بر اقتصاد عراق تأثیر گذاشت.	عراق	اقتصادی
۱۹۹۶	در سال ۱۹۹۶، برنامه «نفت در برابر غذا» توسط سازمان ملل تصویب شد. این برنامه به عراق اجازه می‌داد تا نفت بفروشد و درآمد آن را	عراق	اقتصادی

تاریخ وقوع	شرح واقعه	کشور	ابزار
	برای تأمین نیازهای انسانی و غذایی مردم خود استفاده کند. این برنامه به نوعی به کاهش فشارهای انسانی ناشی از تحریم‌ها کمک کرد، اما همچنان تحریم‌ها بر روی دیگر بخش‌های اقتصادی باقی ماند.		
۲۰۰۳	در سال ۲۰۰۳، ایالات متحده و ائتلاف بین‌المللی به عراق حمله کردند و رژیم صدام حسین سرنگون شد. با این حال، تحریم‌ها به دلیل نگرانی‌های امنیتی و وضعیت ناپایدار کشور ادامه یافت.		
۲۰۰۴	در سال ۲۰۰۴، شورای امنیت سازمان ملل تحریم‌های جدیدی را علیه عراق وضع کرد که شامل محدودیت‌های بیشتری بر روی صادرات و واردات بود. این تحریم‌ها به دلیل نگرانی از فعالیت‌های تروریستی و نقض حقوق بشر در عراق بود.		
۲۰۱۰	در سال ۲۰۱۰، با بهبود وضعیت امنیتی و سیاسی در عراق، برخی از تحریم‌ها کاهش یافت. اما هنوز برخی محدودیت‌ها به دلیل نگرانی‌های امنیتی و سیاسی باقی ماند.		
۲۰۱۷	در سال ۲۰۱۷، ایالات متحده تحریم‌های جدیدی را علیه عراق به دلیل فعالیت‌های ایران در این کشور و نقض حقوق بشر وضع کرد. این تحریم‌ها شامل محدودیت‌های مالی و تجاری بود.		
۲۰۲۱	در سال ۲۰۲۱، تحریم‌ها همچنان ادامه داشت و به دلیل نگرانی‌های امنیتی و سیاسی، فشارهای بین‌المللی بر عراق افزایش یافت.		
۱۹۷۹	در سال ۱۹۷۹، ایالات متحده سوریه را به عنوان یک کشور حامی تروریسم شناسایی کرد و تحریم‌های اولیه‌ای را علیه این کشور وضع کرد. این تحریم‌ها شامل محدودیت‌های تجاری و مالی بود.		
۱۹۸۶	در سال ۱۹۸۶، ایالات متحده تحریم‌های جدیدی را به دلیل نقش سوریه در حمایت از گروه‌های تروریستی و فعالیت‌های نظامی در لبنان وضع کرد. این تحریم‌ها شامل ممنوعیت فروش سلاح و محدودیت‌های تجاری بود.		
۲۰۰۴	در سال ۲۰۰۴، ایالات متحده قانون «تحریم‌های سوریه» را تصویب کرد. این قانون به دلیل حمایت سوریه از تروریسم، نقض حقوق بشر و فعالیت‌های هسته‌ای، تحریم‌های اقتصادی و مالی را علیه این کشور وضع کرد. این تحریم‌ها شامل: - ممنوعیت فروش سلاح به سوریه. - محدودیت‌های تجاری و مالی. - مسدود کردن دارایی‌های مقامات رژیم سوریه در ایالات متحده.	سوریه	

تاریخ وقوع	شرح واقعه	کشور	ابزار
۲۰۱۱	در سال ۲۰۱۱، با آغاز جنگ داخلی در سوریه و سرکوب معترضان، ایالات متحده و اتحادیه اروپا تحریم‌های جدیدی را علیه رژیم بشار اسد وضع کردند. این تحریم‌ها شامل: - مسدود کردن دارایی‌های مقامات رژیم. - ممنوعیت فروش سلاح. - محدودیت‌های تجاری و مالی.		
۲۰۱۲	در سال ۲۰۱۲، تحریم‌ها به شدت افزایش یافت و شامل ممنوعیت صادرات نفت سوریه به کشورهای دیگر و محدودیت‌های بیشتری بر روی بانک‌ها و مؤسسات مالی شد. این تحریم‌ها به هدف کاهش درآمدهای نفتی رژیم بشار اسد وضع شدند.		
۲۰۱۳	در سال ۲۰۱۳، ایالات متحده و اتحادیه اروپا تحریم‌های بیشتری را به دلیل استفاده از سلاح‌های شیمیایی توسط رژیم بشار اسد وضع کردند. این تحریم‌ها شامل: - محدودیت‌های بیشتری بر روی صنایع نفت و گاز سوریه. - مسدود کردن دارایی‌های شرکت‌های مرتبط با رژیم.		
۲۰۱۶	در سال ۲۰۱۶، با ادامه جنگ داخلی و بحران انسانی در سوریه، تحریم‌ها به شدت ادامه یافت و شامل مسدود کردن دارایی‌های بیشتری از مقامات رژیم و شرکت‌های مرتبط با دولت سوریه شد.		
۲۰۲۰	در سال ۲۰۲۰، ایالات متحده قانون "قانون سزار (Caesar Act)" را تصویب کرد که تحریم‌های جدیدی را علیه سوریه به دلیل نقض حقوق بشر و فساد مالی وضع کرد. این قانون شامل: - تحریم‌های شدیدتری بر روی هرگونه سرمایه‌گذاری و همکاری اقتصادی با سوریه. - مسدود کردن دارایی‌های افرادی که در حمایت از رژیم بشار اسد فعالیت می‌کنند.		
۲۰۲۰	در سال ۲۰۲۰، تحریم‌ها همچنان ادامه داشت و به دلیل بحران انسانی و اقتصادی در سوریه، فشارهای بین‌المللی بر رژیم بشار اسد افزایش یافت.		
۱۹۸۰	در سال ۱۹۸۰، لیبی تحت رهبری قذافی به ملی‌سازی صنایع نفتی و دیگر منابع اقتصادی اقدام کرد. این اقدام باعث تنش با کشورهای غربی و به ویژه ایالات متحده شد.		
۱۹۸۶	در سال ۱۹۸۶، ایالات متحده به دنبال حمله تروریستی به دیسکو در برلین که به مرگ دو نظامی آمریکایی منجر شد، تحریم‌هایی را علیه لیبی وضع کرد. این تحریم‌ها شامل ممنوعیت فروش سلاح و	لیبی	

تاریخ وقوع	شرح واقعه	کشور	ابزار
	محدودیت‌های تجاری بود.		
۱۹۹۲	در سال ۱۹۹۲، شورای امنیت سازمان ملل تحریم‌های اقتصادی علیه لیبی را به دلیل نقش این کشور در حملات تروریستی، از جمله بمب‌گذاری در هواپیمای پان آمریکا در سال ۱۹۸۸، تصویب کرد. این تحریم‌ها شامل ممنوعیت فروش سلاح، محدودیت‌های تجاری و مسدود کردن دارایی‌های لیبی بود.		
۱۹۹۳	در سال ۱۹۹۳، تحریم‌ها به شدت بر روی صنایع نفتی و صادرات نفت لیبی تأثیر گذاشت و اقتصاد این کشور را تحت فشار قرار داد.		
۱۹۹۹	در سال ۱۹۹۹، لیبی به تدریج اقدام به همکاری با سازمان ملل و ایالات متحده برای حل و فصل مسائل مربوط به تروریسم و بمب‌گذاری‌ها کرد. این همکاری منجر به کاهش تدریجی تحریم‌ها شد.		
۲۰۰۳	در سال ۲۰۰۳، قذافی اعلام کرد که لیبی برنامه‌های تسلیحات کشتار جمعی خود را متوقف کرده و به همکاری با جامعه بین‌المللی پرداخته است. این اقدام باعث شد که ایالات متحده و کشورهای غربی تحریم‌ها را کاهش دهند.		
۲۰۰۴	در سال ۲۰۰۴، ایالات متحده تحریم‌های اقتصادی و تجاری را علیه لیبی لغو کرد و روابط دیپلماتیک را از سر گرفت. این اقدام به لیبی اجازه داد تا به بازارهای جهانی بازگردد و اقتصاد خود را احیا کند.		
۲۰۱۱	در سال ۲۰۱۱، با آغاز جنگ داخلی در لیبی و سرنگونی قذافی، تحریم‌های جدیدی از سوی شورای امنیت سازمان ملل علیه رژیم قذافی وضع شد. این تحریم‌ها شامل مسدود کردن دارایی‌های قذافی و دیگر مقامات رژیم او بود.		
۲۰۱۶	در سال ۲۰۱۶، با بهبود وضعیت سیاسی و اقتصادی در لیبی، برخی از تحریم‌ها لغو شدند، اما همچنان برخی محدودیت‌ها به دلیل وضعیت ناپایدار کشور باقی ماند.		
۱۹۷۹	در سال ۱۹۷۹، پس از گروگان‌گیری دیپلمات‌ها، ایالات متحده ۱۲ میلیارد دلار از دارایی‌های دولت ایران را که در بانک‌های آمریکایی و دیگر مؤسسات مالی قرار داشت، مسدود کرد. در همان تاریخ تحریم‌های تجاری آغاز شد و صادرات به ایران ممنوع گردید.		ایران
۱۹۸۰	در سال ۱۹۸۰، ایالات متحده به طور رسمی تحریم‌های اقتصادی را علیه ایران اعلام کرد. این تحریم‌ها شامل ممنوعیت واردات کالا از ایران و همچنین ممنوعیت هرگونه معامله مالی با ایران بود.		
۲۰۰۰	از اوایل دهه ۲۰۰۰، به دنبال نگرانی‌های بین‌المللی در مورد برنامه		

تاریخ وقوع	شرح واقعه	کشور	ابزار
	هسته‌ای ایران، تحریم‌های گسترده‌ای علیه این کشور اعمال شد. این تحریم‌ها شامل محدودیت در صادرات نفت، مسدود کردن دارایی‌های بانک مرکزی ایران و ممنوعیت سرمایه‌گذاری در بخش‌های کلیدی اقتصاد ایران بود.		
۱۹۸۰	در سال ۱۹۸۰، تحریم‌های نظامی به اجرا درآمد و فروش هرگونه تجهیزات نظامی به ایران ممنوع شد.		
۱۹۸۴	در سال ۱۹۸۴، ایالات متحده به طور رسمی ایران را به عنوان یک کشور حامی تروریسم شناسایی کرد و تحریم‌های بیشتری را علیه این کشور وضع کرد.		
۱۹۹۵	در سال ۱۹۹۵، ایالات متحده تحریم‌های نفتی را به اجرا گذاشت و به این ترتیب، صادرات نفت ایران به آمریکا ممنوع شد. این تحریم‌ها به تدریج به دیگر کشورها نیز گسترش یافت.		
۲۰۰۶	در سال ۲۰۰۶، با تشدید نگرانی‌ها درباره برنامه هسته‌ای ایران، تحریم‌های جدیدی از سوی شورای امنیت سازمان ملل و همچنین ایالات متحده علیه ایران وضع شد.		
۲۰۱۰	در سال ۲۰۱۰، تحریم‌های اقتصادی و مالی جدیدی به تصویب رسید که شامل محدودیت‌های بیشتری بر روی بانک‌ها و مؤسسات مالی و همچنین صنایع نفت و گاز ایران بود.		
۲۰۱۲	در سال ۲۰۱۲، تحریم‌های بیشتری علیه ایران به تصویب رسید که به شدت بر روی صادرات نفت ایران تأثیر گذاشت و کشورهای دیگر را نیز به کاهش خرید نفت از ایران ترغیب کرد.		
۲۰۱۴	در سال ۲۰۱۴، با ظهور گروه‌های تروریستی مانند داعش، بانک‌های عراقی هدف حملات سایبری قرار گرفتند. این حملات شامل نفوذ به سیستم‌های بانکی و سرقت اطلاعات مشتریان بودند.		
۲۰۱۶	در سال ۲۰۱۶، چندین بانک عراقی هدف حملات DDoS قرار گرفتند که باعث اختلال در خدمات آنلاین و دسترسی به حساب‌های بانکی شد. این حملات به دلیل ناپایداری سیاسی و امنیتی در کشور افزایش یافت.	عراق	سایبری
۲۰۱۷	در سال ۲۰۱۷، گزارش‌هایی از حملات سایبری به سیستم‌های مالی و بانکی عراق منتشر شد. این حملات شامل نفوذ به شبکه‌های داخلی بانک‌ها و سرقت اطلاعات مالی بودند.		
۲۰۱۹	در سال ۲۰۱۹، بانک‌های خصوصی عراقی هدف حملات سایبری قرار گرفتند که منجر به سرقت اطلاعات مشتریان و اختلال در خدمات بانکی شد. این حملات نشان‌دهنده ضعف‌های امنیتی در سیستم‌های		

تاریخ وقوع	شرح واقعه	کشور	ابزار
	بانکی عراق بود.		
۲۰۲۰	در سال ۲۰۲۰، با توجه به بحران‌های اقتصادی و سیاسی در عراق، حملات سایبری به زیرساخت‌های مالی و بانکی افزایش یافت. این حملات شامل نفوذ به سیستم‌های بانکی و سرقت اطلاعات مالی بودند.		
۲۰۲۱	در سال ۲۰۲۱، چندین بانک عراقی هدف حملات سایبری قرار گرفتند که منجر به اختلال در خدمات آنلاین و برداشتهای غیرمجاز از حساب‌ها شد. این حملات به دلیل ناپایداری سیاسی و اقتصادی در کشور افزایش یافت.		
۲۰۲۲	در سال ۲۰۲۲، با افزایش تنش‌های سیاسی در عراق، حملات سایبری به تأسیسات مالی و بانکی افزایش یافت. این حملات شامل نفوذ به سیستم‌های بانکی و اختلال در خدمات مالی بودند.		
۲۰۰۷	اسرائیل در سال ۲۰۰۷ به تأسیسات هسته‌ای سوریه در دیر الزور حمله کرد. برخی تحلیلگران بر این باورند که اسرائیل از حملات سایبری برای جمع‌آوری اطلاعات و شناسایی نقاط ضعف در سیستم‌های امنیتی تأسیسات هسته‌ای استفاده کرده است.		
۲۰۱۱	در سال ۲۰۱۱، با شروع جنگ داخلی در سوریه، گروه‌های مختلفی به حملات سایبری علیه نهادهای دولتی و مالی پرداختند. این حملات شامل نفوذ به وبسایت‌ها و سرقت اطلاعات بودند.		
۲۰۱۳	در سال ۲۰۱۳، بانک‌های سوری هدف حملات سایبری قرار گرفتند. این حملات به دلیل ناپایداری سیاسی و اقتصادی در کشور، منجر به اختلال در خدمات بانکی و سرقت اطلاعات مشتریان شدند.		
۲۰۱۶	در سال ۲۰۱۶، چندین بانک و مؤسسه مالی سوریه هدف حملات DDoS قرار گرفتند که باعث اختلال در خدمات آنلاین و دسترسی به حساب‌های بانکی شد.	سوریه	
۲۰۱۷	در سال ۲۰۱۷، گزارش‌هایی از حملات سایبری به سیستم‌های مالی و بانکی سوریه منتشر شد. این حملات شامل نفوذ به شبکه‌های داخلی بانک‌ها و سرقت اطلاعات مالی بودند.		
۲۰۱۸	در سال ۲۰۱۸، بانک‌های خصوصی سوریه هدف حملات سایبری قرار گرفتند که منجر به سرقت اطلاعات مشتریان و اختلال در خدمات بانکی شد. این حملات نشان‌دهنده ضعف‌های امنیتی در سیستم‌های بانکی سوریه بود.		
۲۰۲۰	در سال ۲۰۲۰، با توجه به بحران‌های اقتصادی و سیاسی در سوریه، حملات سایبری به زیرساخت‌های مالی و بانکی افزایش یافت. این		

تاریخ وقوع	شرح واقعه	کشور	ابزار
	حملات شامل نفوذ به سیستم‌های بانکی و سرقت اطلاعات مالی بودند.		
۲۰۲۱	در سال ۲۰۲۱، چندین بانک سوری هدف حملات سایبری قرار گرفتند که منجر به اختلال در خدمات آنلاین و برداشتهای غیرمجاز از حساب‌ها شد. این حملات به دلیل ناپایداری سیاسی و اقتصادی در کشور افزایش یافت.		
۲۰۲۲	در سال ۲۰۲۲، با افزایش تنش‌های سیاسی در سوریه، حملات سایبری به تأسیسات مالی و بانکی افزایش یافت. این حملات شامل نفوذ به سیستم‌های بانکی و اختلال در خدمات مالی بودند.		
۲۰۰۳	در سال ۲۰۰۳، لیبی تحت فشارهای بین‌المللی، برنامه هسته‌ای خود را متوقف کرد و تأسیسات هسته‌ای خود را به آژانس بین‌المللی انرژی اتمی تحویل داد. با این حال، نگرانی‌ها درباره امنیت این تأسیسات همچنان وجود داشت.		
۲۰۱۱	در سال ۲۰۱۱، با آغاز جنگ داخلی در لیبی، نگرانی‌ها درباره امنیت تأسیسات هسته‌ای و احتمال حملات سایبری به این تأسیسات افزایش یافت. گروه‌های مخالف به دنبال نفوذ به سیستم‌های دولتی بودند.		
۲۰۱۲	در سال ۲۰۱۲، چندین بانک و مؤسسه مالی لیبی هدف حملات DDOS قرار گرفتند که باعث اختلال در خدمات آنلاین و دسترسی به حساب‌های بانکی شد.		
۲۰۱۵	در سال ۲۰۱۵، حملات سایبری به شبکه‌های مالی و بانکی لیبی ادامه یافت و منجر به اختلال در خدمات بانکی و سرقت اطلاعات شد.	لیبی	
۲۰۱۴	در سال ۲۰۱۴، بانک مرکزی لیبی هدف حملات سایبری قرار گرفت که منجر به سرقت اطلاعات مالی و اختلال در خدمات بانکی شد.		
۲۰۱۶	در سال ۲۰۱۶، حملات سایبری به سیستم‌های بانکی و مالی لیبی افزایش یافت و برخی از بانک‌ها به دلیل ضعف‌های امنیتی هدف قرار گرفتند.		
۲۰۲۰	در سال ۲۰۲۰، گزارش‌هایی از حملات سایبری به شبکه‌های مالی و بانکی لیبی منتشر شد که منجر به اختلال در خدمات مالی و سرقت اطلاعات مشتریان شدند.		
۲۰۲۱	در سال ۲۰۲۱، حملات سایبری به زیرساخت‌های مالی و بانکی لیبی ادامه یافت و نگرانی‌ها درباره امنیت اطلاعات مالی افزایش یافت.		
۲۰۱۰	در سال ۲۰۱۰، استاکس‌نت یک ویروس کامپیوتری بود که به طور	ایران	

تاریخ وقوع	شرح واقعه	کشور	ابزار
	خاص برای هدف قرار دادن تأسیسات هسته‌ای ایران طراحی شده بود. این ویروس به سیستم‌های کنترل صنعتی (SCADA) نفوذ کرد و باعث اختلال در فرآیند غنی‌سازی اورانیوم در تأسیسات نطنز شد. این حمله به عنوان یکی از اولین حملات سایبری پیچیده و هدفمند شناخته می‌شود.		
۲۰۱۲	در سال ۲۰۱۲، چندین بانک بزرگ ایرانی هدف حملات سایبری قرار گرفتند که منجر به اختلال در خدمات آنلاین و برداشتهای غیرمجاز شد. این حملات به طور گسترده‌ای به شبکه‌های بانکی آسیب زد و باعث نگرانی‌های امنیتی در این حوزه شد.		
۲۰۱۴	در سال ۲۰۱۴، در این سال، گزارشی از یک حمله سایبری به تأسیسات هسته‌ای ایران منتشر شد که به اختلال در سیستم‌های کنترل صنعتی و اطلاعاتی منجر شد. این حمله به عنوان یک تهدید جدی برای امنیت ملی ایران تلقی شد.		
۲۰۱۷	در سال ۲۰۱۷، در این سال، حملات سایبری به زیرساخت‌های حیاتی ایران، از جمله تأسیسات نفتی و گازی، گزارش شد. این حملات به اختلال در خدمات و تولید انرژی منجر شد و نگرانی‌های امنیتی را افزایش داد.		
۲۰۲۰	در سال ۲۰۲۰، در این سال، چندین بانک ایرانی دوباره هدف حملات سایبری قرار گرفتند که منجر به اختلال در خدمات بانکی و سرقت اطلاعات مشتریان شد. این حملات به شدت بر اعتماد عمومی به سیستم بانکی تأثیر گذاشت.		
۲۰۲۰- ۲۰۲۱	در سال ۲۰۲۰، در این دوران، ایران با افزایش حملات سایبری به تأسیسات بهداشتی و درمانی خود مواجه شد. این حملات به دلیل بحران کرونا و نیاز به اطلاعات و زیرساخت‌های بهداشتی، به شدت نگران‌کننده بود.		
۲۰۰۳	در سال ۲۰۰۳، ایالات متحده به همراه ائتلافی از کشورهای دیگر به عراق حمله کرد. هدف اصلی این حمله، سرنگونی رژیم صدام حسین و نابودی سلاح‌های کشتار جمعی ادعایی عراق بود. این جنگ به سرعت به سقوط صدام حسین و تغییر رژیم منجر شد.		
۲۰۰۳- ۲۰۱۱	در سال ۲۰۱۱، پس از سرنگونی صدام حسین، عراق با ناآرامی‌های شدید، جنگ‌های داخلی و ظهور گروه‌های تروریستی مانند داعش مواجه شد. ایالات متحده به بهانه آموزش و تجهیز نیروهای عراقی و مبارزه با تروریسم به دخالت و نفوذ خود در عراق ادامه داد.	عراق	نظامی
۲۰۱۱	در سال ۲۰۱۱، ایالات متحده به طور رسمی نیروهای خود را از عراق		

تاریخ وقوع	شرح واقعه	کشور	ابزار
	خارج کرد. این خروج به دنبال توافقی بین دولت عراق و ایالات متحده انجام شد و به پایان حضور نظامی آمریکا در عراق پس از نزدیک به ۹ سال منجر گردید.		
۲۰۱۴	در سال ۲۰۱۴، با ظهور داعش و تهدیدات امنیتی در عراق، ایالات متحده مجدداً نیروهای خود را به عراق اعزام کرد. این نیروها به بهانه مشاوره و حمایت از نیروهای عراقی در مبارزه با داعش مستقر شدند.		
۲۰۱۴	در سال ۲۰۱۴، ایالات متحده به همراه ائتلافی از کشورهای دیگر، حملات هوایی را علیه مواضع گروه تروریستی داعش در سوریه آغاز کرد.		
۲۰۱۷	در سال ۲۰۱۷، ایالات متحده به همراه نیروهای دموکراتیک سوریه که عمدتاً کردها بودند، عملیات نظامی برای آزادسازی شهر رقه، پایتخت خودخوانده داعش، را آغاز کردند. این عملیات شامل حملات هوایی و حمایت‌های زمینی بود و در اکتبر ۲۰۱۷ به پایان رسید.		
۲۰۱۷	در سال ۲۰۱۷، پس از حمله شیمیایی به شهر خان شیخون که به ادعای ایالات متحده توسط رژیم بشار اسد انجام شده بود، آمریکا به همراه بریتانیا و فرانسه، حملات هوایی به تأسیسات نظامی سوریه را انجام دادند. این حملات به عنوان یک واکنش به استفاده از سلاح‌های شیمیایی تلقی شد.		
۲۰۱۸	در سال ۲۰۱۸، پس از حمله شیمیایی به دوما، ایالات متحده به همراه بریتانیا و فرانسه، حملات هوایی دیگری را به تأسیسات نظامی سوریه انجام دادند. هدف این حملات نیز جلوگیری از استفاده مجدد از سلاح‌های شیمیایی بود.	سوریه	
۲۰۱۹	در سال ۲۰۱۹، ایالات متحده به طور مکرر به مواضع نیروهای وابسته به ایران در سوریه حمله کرد. این حملات به منظور محدود کردن نفوذ ایران در سوریه و حمایت از نیروهای مخالف رژیم بشار اسد انجام شد.		
۲۰۱۹	در سال ۲۰۱۹، پس از تصمیم ترکیه برای حمله به شمال سوریه و هدف قرار دادن نیروهای کرد، ایالات متحده به طور غیرمستقیم از نیروهای کرد حمایت کرد و به ترکیه هشدار داد که حملات خود را متوقف کند.		
۲۰۲۱	در سال ۲۰۲۱، ایالات متحده به کاروان‌های نظامی که به ادعای این کشور به نیروهای وابسته به ایران تعلق داشتند، حمله کرد. این حملات به عنوان یک واکنش به حملات موشکی به پایگاه‌های آمریکایی در عراق و سوریه انجام شد.		

تاریخ وقوع	شرح واقعه	کشور	ابزار
۲۰۲۴	جمهوری عربی سوریه تحت رهبری بشار اسد، در میان حملات گسترده مخالفان سوریه به رهبری هیئت تحریر شام، به عنوان بخشی از جنگ داخلی سوریه که در سال ۲۰۱۱ آغاز شد، فروپاشید. تحریر الشام به حمایت امریکا و اسرائیل بود و این موضوع به شدت بر روند تحولات سیاسی و نظامی در منطقه تأثیر گذاشت. این گروه با استفاده از منابع و پشتیبانی‌های خارجی نفوذ خود را در سوریه گسترش داد و به اهداف خود در این کشور رسید.		
۲۰۱۱	در سال ۲۰۱۱، در پی آغاز اعتراضات مردمی علیه رژیم قذافی و تبدیل آن به جنگ داخلی، شورای امنیت سازمان ملل متحد قطعنامه‌ای را برای ایجاد منطقه پرواز ممنوع در لیبی تصویب کرد. ایالات متحده به همراه ناتو، حملات هوایی را علیه نیروهای قذافی آغاز کرد. این عملیات به هدف حمایت از نیروهای مخالف قذافی و جلوگیری از نقض حقوق بشر انجام شد.		
۲۰۱۱	در سال ۲۰۱۱، با ادامه حملات هوایی و حمایت از نیروهای مخالف، رژیم معمر قذافی در اکتبر ۲۰۱۱ سرنگون شد. قذافی در ۲۰ اکتبر ۲۰۱۱ در شهر سیرت کشته شد و این رویداد به پایان حکومت او پس از ۴۲ سال منجر گردید.		
۲۰۱۵- ۲۰۱۶	در سال ۲۰۱۵، پس از سقوط قذافی، لیبی به مکانی برای فعالیت گروه‌های تروریستی مانند داعش تبدیل شد. ایالات متحده به انجام حملات هوایی علیه مواضع داعش در لیبی ادامه داد و به نیروهای محلی در مبارزه با این گروه کمک کرد.	لیبی	
۲۰۱۸	در سال ۲۰۱۸، ایالات متحده به حملات هوایی علیه شبه‌نظامیان مرتبط با داعش و دیگر گروه‌های تروریستی در لیبی ادامه داد. این حملات به منظور محدود کردن نفوذ این گروه‌ها و حمایت از دولت توافق ملی لیبی انجام شد.		
۲۰۲۰	در سال ۲۰۲۰، ایالات متحده به کاروان‌های نظامی که به ادعای این کشور به نیروهای وابسته به ژنرال خلیفه حفتر تعلق داشتند، حمله کرد. این حملات به عنوان یک واکنش به تهدیدات علیه نیروهای آمریکایی و متحدان آن‌ها در لیبی انجام شد.		
۱۹۸۷- ۱۹۸۸	در سال ۱۹۸۷، در خلال جنگ ایران و عراق، ایالات متحده به منظور حفاظت از کشتی‌های تجاری و نفتی در خلیج فارس، به تأسیسات نفتی ایران حملات هوایی انجام داد. این عملیات به عنوان "عملیات پرچم سرخ" شناخته می‌شود و شامل حملات به کشتی‌ها و تأسیسات نفتی ایران بود.	ایران	

ابزار	کشور	شرح واقعه	تاریخ وقوع
		در سال ۲۰۱۷، ایالات متحده به حملات هوایی علیه نیروهای وابسته به ایران در عراق و سوریه ادامه داد. این حملات به منظور محدود کردن نفوذ ایران در منطقه و حمایت از نیروهای محلی انجام شد.	۲۰۱۷- ۲۰۱۹
		در سال ۲۰۲۰، ایالات متحده با حمله هوایی به کاروان قاسم سلیمانی، فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، در بغداد، او را به شهادت رساند. این اقدام منجر به افزایش تنش‌ها بین دو کشور و تهدیدات متقابل شد.	۲۰۲۰

گام پنجم، مرتب‌سازی، خلاصه‌سازی و گزارش‌دهی یافته‌ها

تحلیل روند تاریخی ابزارهای اقتصادی-نظامی آمریکا در کشور عراق:

تحلیل روند تاریخی تحریم‌های اقتصادی، حملات سایبری و حملات نظامی ایالات متحده به عراق نشان‌دهنده یک الگوی مشابه و یکسان است. این الگو نیز به عنوان یک استراتژی جامع برای مدیریت تهدیدات و کنترل نفوذ عراق به کار گرفته و می‌توان آن را به عنوان "بازی جنگ" ایالات متحده در نظر گرفت. در زیر به تحلیل این روند می‌پردازیم:

تحلیل ارتباط تاریخی بین تحریم‌های اقتصادی، حملات سایبری و حملات نظامی ایالات متحده به عراق نشان‌دهنده یک الگوی استراتژیک است این الگو شامل مراحل زیر است:

۱. تحریم‌های اقتصادی به عنوان ابزار اولیه

استفاده اولیه: ایالات متحده پس از حمله عراق به کویت در سال ۱۹۹۰، تحریم‌های اقتصادی شدیدی علیه عراق وضع کرد. این تحریم‌ها به منظور کاهش توان نظامی و اقتصادی عراق و فشار بر رژیم صدام حسین طراحی شدند. این تحریم‌ها به شدت بر زندگی مردم عراق تأثیر گذاشتند و منجر به بحران انسانی و کاهش سطح زندگی شدند. هدف این تحریم‌ها ایجاد نارضایتی عمومی و تضعیف رژیم بود.

۲. حملات سایبری به عنوان ابزار تضعیف زیرساخت‌ها

استفاده ثانویه: با پیشرفت فناوری، ایالات متحده به تدریج به حملات سایبری روی آورد. اگرچه در جنگ عراق به اندازه ایران از این ابزار استفاده نشد، اما ایالات متحده از فناوری‌های پیشرفته برای جمع‌آوری اطلاعات و تضعیف زیرساخت‌های ارتباطی و اطلاعاتی عراق بهره برد. این حملات به کاهش توانایی نظامی و اطلاعاتی عراق کمک کردند و به ایالات متحده اجازه دادند تا در عملیات‌های نظامی خود موفق‌تر عمل کند.

۳. حملات نظامی به عنوان اقدام نهایی

استفاده نهایی: در سال ۲۰۰۳، ایالات متحده به بهانه وجود سلاح‌های کشتار جمعی و ارتباط عراق با تروریسم، به این کشور حمله نظامی کرد. این حمله به سرعت منجر به سرنگونی رژیم

صدام حسین شد. این حملات نه تنها به تغییر رژیم در عراق منجر شدند، بلکه به بحران‌های امنیتی و سیاسی در این کشور و منطقه نیز دامن زدند. پس از حمله، عراق با نامنی، جنگ داخلی و ظهور گروه‌های تروریستی مواجه شد.

تحلیل روند تاریخی ابزارهای اقتصادی-نظامی آمریکا در کشور سوریه:

تحلیل ارتباط تاریخی بین تحریم‌های اقتصادی، حملات سایبری و حملات نظامی ایالات متحده به سوریه نشان‌دهنده یک الگوی استراتژیک است که می‌توان آن را به عنوان "بازی جنگ" ایالات متحده در نظر گرفت. این الگو مشابه کشور عراق شامل مراحل زیر است:

۱. تحریم‌های اقتصادی به عنوان ابزار اولیه

استفاده اولیه: ایالات متحده از اوایل دهه ۲۰۰۰ تحریم‌های اقتصادی علیه سوریه وضع کرد. این تحریم‌ها به دلیل حمایت سوریه از گروه‌های تروریستی و برنامه‌های تسلیحاتی این کشور طراحی شدند. با آغاز جنگ داخلی سوریه در سال ۲۰۱۱، این تحریم‌ها تشدید شدند. این تحریم‌ها به کاهش درآمدهای اقتصادی سوریه و تضعیف توانایی دولت برای تأمین نیازهای اساسی مردم منجر شدند. هدف این تحریم‌ها ایجاد فشار بر رژیم بشار اسد و کاهش توان نظامی و سیاسی او بود.

۲. حملات سایبری به عنوان ابزار تضعیف زیرساخت‌ها

استفاده ثانویه: با پیشرفت فناوری، ایالات متحده به تدریج به حملات سایبری روی آورد. اگرچه اطلاعات دقیقی درباره حملات سایبری خاص ایالات متحده به سوریه وجود ندارد، اما به طور کلی، ایالات متحده از فناوری‌های پیشرفته برای جمع‌آوری اطلاعات و تضعیف زیرساخت‌های ارتباطی و اطلاعاتی در سوریه استفاده کرده است. این حملات به کاهش توانایی نظامی و اطلاعاتی سوریه کمک و به ایالات متحده اجازه داد تا در عملیات‌های نظامی خود راحت‌تر عمل کند.

۳. حملات نظامی به عنوان اقدام نهایی

استفاده نهایی: ایالات متحده در سال‌های اخیر به بهانه استفاده از سلاح‌های شیمیایی توسط رژیم بشار اسد، چندین بار به سوریه حمله نظامی کرده است. این حملات معمولاً به صورت حملات هوایی و موشکی انجام شده و هدف آن‌ها تضعیف توان نظامی رژیم اسد بوده است. این حملات نه تنها به تغییر وضعیت نظامی در سوریه کمک کرده‌اند، بلکه به تشدید تنش‌ها در منطقه و افزایش بحران انسانی نیز منجر شده‌اند. همچنین، این حملات به افزایش نفوذ گروه‌های مخالف رژیم و گروه‌های تروریستی مانند داعش کمک کرده‌اند. در همین حال، جمهوری عربی سوریه تحت رهبری بشار اسد، در میان حملات گسترده مخالفان سوری به رهبری هیئت تحریر شام، به عنوان بخشی از جنگ داخلی سوریه که در سال ۲۰۱۱ آغاز شد،

فروپاشید. تحریر الشام به حمایت امریکا و اسرائیل بود و این موضوع به شدت بر روند تحولات سیاسی و نظامی در منطقه تأثیر گذاشت. این گروه با استفاده از منابع و پشتیبانی‌های خارجی نفوذ خود را در سوریه گسترش داد و به اهداف خود در این کشور رسید.

تحلیل روند تاریخی ابزارهای اقتصادی-نظامی آمریکا در کشور لیبی:

تحلیل روند تاریخی تحریم‌های اقتصادی، حملات سایبری و حملات نظامی ایالات متحده به لیبی نشان‌دهنده یک الگوی مشابه با دیگر کشورها است که می‌توان آن را به عنوان "بازی جنگ" ایالات متحده در نظر گرفت. این الگو شامل مراحل زیر است:

۱. تحریم‌های اقتصادی

استفاده اولیه: ایالات متحده از اوایل دهه ۱۹۸۰ تحریم‌های اقتصادی علیه لیبی وضع کرد. این تحریم‌ها به دلیل حمایت لیبی از تروریسم و برنامه‌های تسلیحاتی این کشور طراحی شدند. در سال ۱۹۹۲، شورای امنیت سازمان ملل نیز تحریم‌هایی را علیه لیبی به دلیل نقش این کشور در بمب‌گذاری هواپیمای پان‌امریکن در سال ۱۹۸۸ وضع کرد. این تحریم‌ها به شدت بر اقتصاد لیبی تأثیر گذاشتند و منجر به کاهش درآمدهای نفتی و تضعیف توان اقتصادی دولت معمر قذافی شدند. هدف این تحریم‌ها ایجاد فشار بر رژیم قذافی و کاهش توان نظامی و سیاسی او بود.

۲. حملات سایبری

استفاده ثانویه: با پیشرفت فناوری، ایالات متحده به تدریج به حملات سایبری روی آورد. اگرچه اطلاعات دقیقی درباره حملات سایبری خاص ایالات متحده به لیبی وجود ندارد، اما به طور کلی، ایالات متحده از فناوری‌های پیشرفته برای جمع‌آوری اطلاعات و تضعیف زیرساخت‌های ارتباطی و اطلاعاتی در لیبی استفاده کرده است. این حملات می‌توانند به کاهش توانایی نظامی و اطلاعاتی لیبی کمک کنند و به ایالات متحده اجازه دهند تا در عملیات‌های نظامی خود موفق‌تر عمل کند.

۳. حملات نظامی

استفاده نهایی: در سال ۲۰۱۱، با آغاز جنگ داخلی در لیبی و به بهانه حمایت از مخالفان رژیم قذافی، ایالات متحده به همراه ناتو حملات هوایی گسترده‌ای را علیه نیروهای قذافی آغاز کرد. این حملات به سرعت منجر به سرنگونی رژیم قذافی شدند. این حملات نه تنها به تغییر رژیم در لیبی منجر شدند، بلکه به بحران‌های امنیتی و سیاسی در این کشور و منطقه نیز دامن زدند. پس از سرنگونی قذافی، لیبی با ناامنی، جنگ داخلی و ظهور گروه‌های تروریستی مواجه شد.

گام ششم، تحلیل روند تاریخی ابزارهای اقتصادی-نظامی آمریکا در کشور ایران و قیاس با ۳ کشور دیگر:

الگوی "بازی جنگ" ایالات متحده برای ایران به وضوح با الگوهای مشابهی که در مورد کشورهای عراق، سوریه و لیبی مشاهده می‌شود، مطابقت دارد. این الگو شامل مراحل مشابهی از تحریم‌های اقتصادی، حملات سایبری و تهدیدات یا حملات نظامی است. این الگو را برای هر یک از این کشورها بررسی می‌شود:

۱. تحریم‌های اقتصادی

ایران: ایالات متحده از اوایل دهه ۱۹۸۰ تحریم‌های اقتصادی را به دلیل حمایت ایران از تروریسم و برنامه هسته‌ای آن وضع کرد. این تحریم‌ها به شدت بر اقتصاد ایران تأثیر گذاشتند. عراق: پس از جنگ خلیج فارس در سال ۱۹۹۰، ایالات متحده و شورای امنیت سازمان ملل تحریم‌های شدیدی علیه عراق وضع کردند که به تضعیف رژیم صدام حسین و کاهش توان نظامی او منجر شد.

سوریه: ایالات متحده از اوایل دهه ۲۰۰۰ تحریم‌های اقتصادی را به دلیل حمایت سوریه از گروه‌های تروریستی و برنامه‌های تسلیحاتی وضع کرد. این تحریم‌ها به کاهش درآمدهای اقتصادی و تضعیف رژیم بشار اسد کمک کردند.

لیبی: ایالات متحده از اوایل دهه ۱۹۸۰ تحریم‌های اقتصادی را به دلیل حمایت لیبی از تروریسم وضع کرد. این تحریم‌ها به تضعیف رژیم قذافی و کاهش توان اقتصادی و نظامی او منجر شدند.

۲. حملات سایبری

ایران: ایالات متحده به حملات سایبری علیه ایران، مانند حمله استاکس‌نت به تأسیسات هسته‌ای نطنز، روی آورد تا برنامه هسته‌ای این کشور را تضعیف کند.

عراق: اگرچه اطلاعات دقیقی درباره حملات سایبری خاص ایالات متحده به عراق وجود ندارد، اما ایالات متحده از فناوری‌های پیشرفته برای جمع‌آوری اطلاعات و تضعیف زیرساخت‌های ارتباطی و اطلاعاتی در عراق استفاده کرده است.

سوریه: ایالات متحده نیز به احتمال زیاد از حملات سایبری برای جمع‌آوری اطلاعات و تضعیف زیرساخت‌های سوریه استفاده کرده است، هرچند که اطلاعات دقیقی در این زمینه وجود ندارد. لیبی: ایالات متحده به احتمال زیاد از حملات سایبری برای جمع‌آوری اطلاعات و تضعیف زیرساخت‌های لیبی در طول جنگ داخلی و در زمان سرنگونی قذافی استفاده کرده است.

۳. تهدیدات نظامی و حملات

ایران: ایالات متحده به طور مداوم ایران را به عنوان یک تهدید نظامی معرفی کرده و به تهدید به حمله نظامی پرداخته است. این تهدیدات به بهانه‌های مختلفی مانند برنامه هسته‌ای و حمایت از گروه‌های تروریستی مطرح شده‌اند.

عراق: ایالات متحده در سال ۲۰۰۳ به بهانه وجود سلاح‌های کشتار جمعی به عراق حمله کرد و رژیم صدام حسین را سرنگون کرد.

سوریه: ایالات متحده در سال‌های اخیر به بهانه استفاده از سلاح‌های شیمیایی توسط رژیم بشار اسد، چندین بار به سوریه حمله نظامی کرده است.

لیبی: ایالات متحده در سال ۲۰۱۱ به بهانه حمایت از مخالفان رژیم قذافی و جلوگیری از نقض حقوق بشر، حملات هوایی گسترده‌ای را علیه نیروهای قذافی آغاز کرد.

نتیجه‌گیری

الگوی "بازی جنگ" ایالات متحده در قبال ایران به وضوح با الگوهای مشابهی که در کشورهای عراق، سوریه و لیبی مشاهده می‌شود، همخوانی دارد. این الگو شامل مراحل مشخصی از تحریم‌های اقتصادی، حملات سایبری و تهدیدات یا حملات نظامی است که با هدف کنترل تهدیدات و مدیریت نفوذ رژیم‌های این کشورها به کار گرفته می‌شود.

در هر یک از این کشورها، ایالات متحده ابتدا با وضع تحریم‌های اقتصادی، فشارهای مالی و سیاسی را بر رژیم‌ها افزایش می‌دهد. به عنوان مثال، تحریم‌ها علیه ایران به دلیل برنامه هسته‌ای و حمایت از تروریسم وضع شده‌اند و تأثیرات عمیقی بر اقتصاد و معیشت مردم داشته‌اند. مشابه این رویکرد در عراق پس از جنگ خلیج فارس و در سوریه به دلیل حمایت از گروه‌های تروریستی نیز مشاهده می‌شود. این تحریم‌ها به تضعیف رژیم‌ها کمک کرده و زمینه‌ساز اقدامات بعدی می‌شوند.

پس از تحریم‌ها، ایالات متحده به حملات سایبری روی می‌آورد تا زیرساخت‌های حیاتی و برنامه‌های نظامی کشورها را تضعیف کند. حمله استاکس‌نت به تأسیسات هسته‌ای نطنز، نمونه بارزی از این نوع اقدامات است. این حملات می‌توانند به کاهش توانایی‌های نظامی و هسته‌ای کشورها کمک کنند و به ایالات متحده این امکان را می‌دهند که در صورت لزوم، به اقدامات نظامی بیشتری متوسل شود. در عراق و لیبی نیز، هرچند اطلاعات دقیقی از حملات سایبری وجود ندارد، اما تأثیر فناوری‌های پیشرفته در جمع‌آوری اطلاعات و تضعیف زیرساخت‌ها به وضوح قابل مشاهده است. در نهایت، در صورت لزوم، ایالات متحده به تهدیدات نظامی یا حملات مستقیم متوسل می‌شود. این تهدیدات معمولاً به بهانه‌های مختلفی مانند وجود سلاح‌های کشتار جمعی، نقض حقوق بشر یا استفاده از سلاح‌های شیمیایی مطرح می‌شوند. به عنوان مثال، در مورد ایران، تهدیدات نظامی به طور مداوم مطرح می‌شود و در عراق، ایالات

متحده در سال ۲۰۰۳ به بهانه وجود سلاح‌های کشتار جمعی به این کشور حمله کرد. در سوریه نیز، حملات نظامی به بهانه استفاده از سلاح‌های شیمیایی انجام شده و در لیبی، ایالات متحده به بهانه حمایت از مخالفان قذافی و جلوگیری از نقض حقوق بشر، حملات هوایی گسترده‌ای را آغاز کرد.

این الگوی ثابت و قابل پیش‌بینی به ایالات متحده اجازه می‌دهد تا بدون ورود به جنگ‌های مستقیم و پرهزینه، به اهداف خود دست یابد و در عین حال فشارهای اقتصادی و سیاسی را بر این کشورها افزایش دهد. با استفاده از تحریم‌ها، ایالات متحده می‌تواند به سرعت بر رژیم‌ها فشار وارد کند و آن‌ها را به سمت تغییر رفتار سوق دهد. سپس با حملات سایبری، زیرساخت‌های حیاتی را تضعیف کرده و در نهایت با تهدیدات نظامی، پیام واضحی به رژیم‌ها منتقل می‌کند که در صورت عدم تغییر رفتار، عواقب جدی‌تری در انتظار آن‌هاست.

این الگو می‌تواند به عنوان یک ابزار سودمند برای پیش‌آگهی و تحلیل رفتارهای آینده کشورها در مواجهه با سیاست‌های ایالات متحده مورد استفاده قرار گیرد. با توجه به اینکه این الگو در کشورهای مختلف به کار گرفته شده است، می‌توان انتظار داشت که ایالات متحده از این رویکرد برای مدیریت تهدیدات و نفوذ رژیم‌های دیگر در آینده نیز استفاده کند.

در نهایت، این رویکرد نشان‌دهنده یک سیاست خارجی جامع و سیستماتیک است که در کشورهای مختلف قابل مشاهده است و می‌تواند به درک بهتر از تحولات جهانی کمک کند. با تحلیل این الگو، کشورها و تحلیلگران می‌توانند به پیش‌بینی رفتارهای ایالات متحده و واکنش‌های احتمالی خود در برابر این سیاست‌ها بپردازند و استراتژی‌های مناسبی برای مقابله با این تهدیدات طراحی کنند. این درک می‌تواند به کشورهای هدف کمک کند تا با اتخاذ تدابیر مناسب، از تأثیرات منفی این سیاست‌ها کاسته و به تقویت امنیت و ثبات داخلی خود بپردازند.

الگوی "بازی جنگ" ایالات متحده برای ایران، که شامل تحریم‌های اقتصادی، حملات سایبری و تهدیدات نظامی است، با پیشینه‌های مختلفی که در تحقیقات متعدد به آن پرداخته شده، همخوانی دارد. این الگو نه تنها در مورد ایران، بلکه در کشورهای دیگر مانند عراق، سوریه و لیبی نیز قابل مشاهده است و به عنوان یک ابزار استراتژیک در سیاست خارجی ایالات متحده عمل می‌کند.

تحقیقات مختلف نشان می‌دهند که تحریم‌های اقتصادی ایالات متحده علیه ایران از سال ۱۹۷۹ به عنوان یک موضوع کلیدی در روابط بین‌الملل و سیاست خارجی آمریکا مطرح شده است. این تحریم‌ها به عنوان بخشی از "سیاست دوگانه مهار" ایالات متحده در برابر ایران و

عراق طراحی شده‌اند و به دنبال محدود کردن نفوذ ایران در منطقه و مقابله با تهدیدات آن هستند.

با تحلیل این الگو و مقایسه آن با تحقیقات موجود، می‌توان به درک بهتری از تحولات جهانی و رفتارهای آینده کشورها در مواجهه با سیاست‌های ایالات متحده دست یافت. این درک می‌تواند به کشورهای هدف کمک کند تا با اتخاذ تدابیر مناسب، از تأثیرات منفی این سیاست‌ها کاسته و به تقویت امنیت و ثبات داخلی خود بپردازند.

منابع

الف) منابع فارسی

- اشرفی، اکبر، بابازاده جودی، امیر سعید. (۱۳۹۴). سیاست خارجی روسیه و آمریکا نسبت به بحران سوریه. *فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل*، ۸(۳۲)، ۴۳-۶۵.
- اردستانی. (۱۳۸۱). تأثیر اسرائیل بر تعمیق بحران ایران و آمریکا. *مطالعات خاورمیانه*، ۳۲(۹)، ۱۰۹-۱۴۲.
- دارابی، گلناب، طباطبایی، سید محمد. (۱۳۹۹). رویکرد تطبیقی سیاست خارجی آمریکا در قبال برنامه هسته‌ای ایران و کره شمالی. *فصلنامه آفاق امنیت*، ۱۳(۴۶)، ۲۸-۶۳.
- دولت‌خواه، زهرا، امام‌جمعه‌زاده، سید جواد. (۱۳۹۴). دکترین مسئولیت حمایت: بررسی تطبیقی رویکرد اعضای دائم شورای امنیت در قبال بحران‌های لیبی و سوریه. *راهبرد*، ۷۷(۲۴)، ۵۹-۸۴.
- دهشیری، محمدرضا، غفوری، مجتبی. (۱۳۹۴). الزامات راهبردی جمهوری اسلامی ایران در قبال سیاست‌های خاورمیانه‌ای جدید آمریکا. *سیاست‌های راهبردی و کلان*، ۳(۱۲)، ۱۷۵-۱۹۳.
- خسروی، ملک تاج، خسانی یزدانی، احسان. (۱۳۹۸). آینده عراق و سناریوهای مربوط به آن (۲۰۲۰-۲۰۱۰). *مطالعات روابط بین‌الملل (پژوهشنامه روابط بین‌الملل)*، ۱۲(۴۶)، ۸۷-۱۲۱.
- خسروی، محمد علی، مهاجری، رقیه. (۱۳۹۲). مداخله‌گری‌های آمریکا در خیزش‌ها یا انقلاب‌های ۲۰۱۱ خاورمیانه و سناریوهای دخالت آمریکا در سوریه. *فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل*، ۶(۲۲)، ۳۵-۷۱.
- جمشیدی، محسن، فلاحی، سارا، فتاحی، شهرام. (۱۴۰۲). راهبرد نظامی - امنیتی آمریکا در غرب آسیا در هزاره‌ی جدید و معمای امنیتی ایران برای مقابله با آن. *سیاست دفاعی*، ۳۲(۱۲۵)، ۱۳۳-۱۵۷.
- گل سرخ حق، محسن، اصغرزاده، اصغر، سعادت‌ی رازیان، جعفر (۱۴۰۳). *بررسی تحولات/خبر سوریه و سقوط بشار اسد: مبتنی بر نشست تخصصی با خبرنگار جبهه مقاومت، کارشناس مسائل غرب آسیا و دبیر کل سابق اتاق بازرگانی ایران و سوریه (آقای حسن شمشادی)*. تک نگاشت شماره ۱.

- سهرابی، محمد. (۱۳۹۶). تهاجم نظامی آمریکا به عراق و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، ۱۰(۳۸)، ۲۷-۵۵.
- نوری، علیرضا. (۱۳۹۹). چالش نظم هژمونیک، ثبات و موازنه در خاورمیانه؛ فرصت‌ها برای ایران و روسیه. رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، ۱۱(۴)، ۷۷-۱۰۸.
- شادرام، وحید، مسلمی، حسین. (۱۳۹۸). بازی دیفرانسیلی و بازی جنگ در سطح راهبردی، دوفصلنامه بازی جنگ، ۲(۵)، ۲۳-۳۸.

(ب) منابع انگلیسی:

- Abbas, S. Q., & Fatima, H. (2024). Cyber security threats to Iran and its countermeasures: Defensive and offensive cyber strategies. *Journal of Research in Social Sciences*, 12(2), 1-21.
- Alexander, K. (2009). *Economic sanctions. Law and Public Policy*. Houndmills, Basingstoke, Hampshire [England]: Palgrave Macmillan, 359.
- Amuzegar, J. (1997). Iran's economy and the US sanctions. *The Middle East Journal*, 185-199.
- Angstrom, J., & Duyesteyn, I. (2010). *Modern War and the Utility of Force*. London: Routledge.
- Analytica. (2022). Oil blockades will antagonise the Libyan public. *Emerald Expert Briefings*, (oxan-es).
- Arksey, H., & O'Malley, L. (2005). Scoping studies: Towards a methodological framework. *International Journal of Social Research Methodology*, 8(1), 19-32.
- Boulanger, A. (2010). *Internet infrastructure attacks. In Cybercrimes: A multidisciplinary analysis*. Berlin, Heidelberg: Springer Berlin Heidelberg.
- Bowman, S. (2003). *Iraq: US military operations*.
- Collins, S. D. (2004). Dissuading state support of terrorism: Strikes or sanctions? (An analysis of dissuasion measures employed against Libya). *Studies in Conflict & Terrorism*, 27(1), 1-18.
- Coelho, S. (2016). Wired for War: The Robotics Revolution and Conflict in the 21st Century. *Defense AR Journal*, 23(4), 420-422.
- Drezner, D. W. (2024). Global economic sanctions. *Annual Review of Political Science*, 27.

- Dizaji, S. F., & Farzanegan, M. R. (2021). Do sanctions constrain military spending of Iran?. *Defence and Peace Economics*, 32(2), 125-150.
- Ertimi, B., & Oqab, B. (2022). The impact of economic sanctions on the oil industry: A case study of Libya using the synthetic control method. *Journal of Pure & Applied Sciences*, 21(2), 156-161.
- Fatma, S. T. (2019). *The United States Military Intervention To Syria (2011–2017)* (Doctoral dissertation, President University).
- Farzanegan, M. R. (2013). Effects of International Financial and Energy Sanctions on Iran's Informal Economy. *The SAIS Review of International Affairs* 33 (1): 13–36.
- Fayazmanesh, S. (2003). The politics of the US economic sanctions against Iran. *Review of radical political economics*, 35(3), 221-240.
- Geldenhuys, D. (2003). The rule-breaking conduct of Qaddafi's Libya. *Strategic Review for Southern Africa*, 25(2), 55-78.
- Gertler, J. (2011, March). *Operation Odyssey Dawn (Libya): Background and issues for Congress*. Congressional Research Service, Library of Congress.
- Gordon, J. (2013). *Economic sanctions and global governance: The case of Iraq*. In *Rethinking Violence* (pp. 64-75). Routledge.
- Jacobsen, J. T., & Ringsmose, J. (2017). Cyber-bombing ISIS: Why disclose what is better kept secret? *Global Affairs*, 3(2), 125-137.
- Katzman, K. (2013). *Iran sanctions*, Washington, DC: Congressional Research Service.
- Kshetri, N. (2013). Cybercrime and cybersecurity in the Middle East and North African economies. In *Cybercrime and Cybersecurity in the Global South* (pp. 119-134).
- Mallick, M. A. I., & Nath, R. (2024). Navigating the Cyber security Landscape: A Comprehensive Review of Cyber-Attacks, Emerging Trends, and Recent Developments. *World Scientific News*, 190(1), 1-69.
- Martin, G. (2015). US military intervention to combat the Islamic State.
- McManus, W. J. (2001). *Economic sanctions against Iraq: Time for a change?* US Army War College.

- Pala, T. (2021). The Effectiveness of Economic Sanctions: A Literature Review. *NISPACEE Journal of Public Administration and Policy*, 14(1), 239-259.
- Rennack, D. E. (2006). *Libya: Legislative basis for US economic sanctions*. Congressional Research Service, Library of Congress.
- Shehabaldin, A., & Laughlin Jr, W. M. (1999). Economic sanctions against Iraq: Human and economic costs. *The International Journal of Human Rights*, 3(4), 1-18.
- Sills, C. A., & Al-Kassimi, K. (2020). Sanctioning Arabia through the Caesar Act: Economic violence & imperial anxieties in the Middle East. *Journal of Social and Political Sciences*, 3.
- Suliman, F., & Khwanda, H. (2020). External sector: Between congestion and sanctions—‘Syrian economy case, 1987–2018’. *Foreign Trade Review*, 55(3), 382-401.
- Teglund, C. M. (2006). *Economic sanctions as warfare: A study about the economic sanctions on Iraq 1990-2003*.
- Torbat, A. E., & Torbat, A. E. (2020). The economic sanctions against Iran. In *Politics of Oil and Nuclear Technology in Iran* (pp. 201-224).
- Urwa, S., Sajjad, A., & Ahmed, A. (2024). *Cyber threats to Iran from the USA and Israel: Counter strategies by Iran*. doi: 10.31703/gsssr.2024(ix-i).04.
- Utinková, H. (2021). *Cyber Attacks against Iran as Instruments of Hybrid Warfare*.
- Zahid, H. (2024). *Understanding the Cyber Threat Landscape: Comprehensive Vulnerability Assessment Techniques*.
ziaee, S. Y., & Mohammadi Motlagh, A. (2014). Individuals Sanctions in public international law: sanctions on some Iranian nationals. *The Judiciarys Law Journal*, 78(88), 15-186.